

خلاصه گزارش بررسی دیدگاه های کارفرمایان و مدیران عامل واحد های تولیدی صنایع کوچک و متوسط اصفهان در زمینه عوامل موثر در کاهش فعالیت و یا عدم فعالیت آن ها

جدول (۱) : تعریف بانک جهانی از صنایع کوچک و متوسط

| طبقه بندی بنگاه ها | حداکثر تعداد کارکنان(نفر) | حداکثر فروش سالانه یا گردش مالی (هزار دلار) | حداکثر دارایی (هزار دلار) |
|--------------------|---------------------------|---|---------------------------|
| خرد | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰۰ |
| کوچک | ۵۰ | ۳۰۰۰ | ۳۰۰۰ |
| متوسط | ۳۰۰ | ۱۵۰۰۰ | ۱۵۰۰۰ |

ماخذ: گیبسون و وارت ، ۲۰۰۸

جدول (۲) : معیارهای اتحادیه اروپا از بنگاه های کوچک و متوسط

| طبقه بندی بنگاه ها | حداکثر تعداد کارکنان(نفر) | حداکثر فروش سالانه یا گردش مالی (میلیون یورو) | حداکثر دارایی (میلیون یورو) |
|--------------------|---------------------------|---|-----------------------------|
| خرد | ۱۰ | ۲ | ۲ |
| کوچک | ۵۰ | ۱۰ | ۱۰ |
| متوسط | ۲۵۰ | ۵۰ | ۴۳ |

ماخذ: www.ec.europa.eu/enterprise/smedefinition

جدول (۳) : معیارهای سازمان های مختلف از بنگاه های کوچک و متوسط در ایران

| نام سازمان | حداکثر تعداد کارکنان |
|--|----------------------|
| وزارت صنعت و معدن و تجارت | ۵۰ |
| سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی | ۵۰-۵ |
| آئین نامه اجرائی گسترش بنگاه های کوچک و زودبازده مصوب ۱۳۸۰ | ۵۰ |
| بانک مرکزی: | |
| خرد | کمتر از ۱۰ |
| کوچک | ۱۰-۴۹ |
| متوسط | ۵۰-۹۹ |
| بزرگ | بیش از ۱۰۰ |

ماخذ: سخنرانی رئیس کل بانک مرکزی در همایش بنگاه های کوچک و زودبازده ، ۲۰ مرداد ۱۳۹۳

اهداف اساسی طرح :

اهداف اصلی طرح :

۱- بیان دیدگاه های کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال و غیرفعال پیرامون علل اصلی تاثیرگذار در فعالیت آن ها

۲- مقایسه نتایج طرح با سایر مطالعات صورت گرفته در این زمینه

۳- به تصویر کشیدن عارضه های کلان و ساختاری در توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی کشور

۴- ارائه راه کارها و نقطه نظرات کارشناسی و تحلیلی تیم مطالعه مبتنی بر یافته های طرح

اهداف فرعی طرح :

۱- بررسی عوامل داخلی مهم تاثیرگذار در عدم فعالیت و یا کاهش فعالیت بنگاه های موردنظر

۲- بررسی عوامل مهم بیرونی تاثیرگذار در عدم فعالیت و یا کاهش فعالیت بنگاه های موردنظر

سوالات اساسی طرح :

- ۱- مهم ترین عوامل داخلی موثر بر فعالیت های بنگاه های نیمه فعال و غیر فعال چیست؟
- ۲- مهم ترین عوامل بیرونی موثر بر فعالیت های بنگاه های غیر فعال و نیمه فعال چیست؟
- ۳- آثار احتمالی منفی ناشی از کاهش فعالیت ها و یا عدم فعالیت های بنگاه های مورد نظر چیست؟
- ۴- یافته های دید گاه های کارفرمایان بنگاه های نیمه فعال و غیرفعال در ارتباط با یافته های مطالعات دیگران چیست؟
- ۵- مهم ترین عارضه های ساختاری وکلان در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور چیست ؟
- ۶- آیا بین نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی مورد مطالعه در شهرک های صنعتی مختلف اصفهان تفاوت آماری معناداری وجود دارد ؟
- ۷- راه کارهای کوتاه مدت ، میان مدت و بلندمدت در بهبود و رونق کسب و کار بنگاه های تولیدی و صنعتی چیست ؟

متدولوژی تحقیق :

ماهیت و نوع تحقیق به صورت پیمایشی میدانی و کتابخانه ای و توصیفی و تحلیلی می باشد. جامعه آماری شامل بنگاه های نیمه فعال (زیر ۵۰ درصد ظرفیت تولیدی در حال کار و بنگاه های تعطیل شده و غیر فعال شهر اصفهان می باشد. هم چنین مطالعات کتابخانه ای انجام شده توسط استان ها و افراد دیگر پیرامون عوامل بیرونی و داخلی موثر بر عملکرد و فعالیت بنگاه های کوچک و متوسط ، بخشی از جامعه مورد مطالعه را تشکیل می دهد. شناسایی واحدهای نیمه فعال و غیرفعال شهر اصفهان از طریق هماهنگی با هیات امنای شرکت های صنعتی اصفهان و هم چنین مجموعه مدون مرجع اطلاعات صنایع مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی استان اصفهان صورت گرفته است. شهرک های صنعتی مورد نظر اصفهان اشترجان ، جی ، سه راه مبارکه ، مورچه خورت و منتظریه و محمود آباد می باشند. حجم نمونه ۲۰۰ مورد که به صورت کاملاً تصادفی و با هماهنگی هیات مدیره شهرک های صنعتی مورد نظر انتخاب می شوند.

ابزار جمع آوری آمار و اطلاعات از طریق مصاحبه باز ، تنظیم پرسشنامه ، ارتباط تلفنی و مطالعات گزارشات مکتوب می باشد. برای تنظیم پرسشنامه ابتدا با مراجعه به برخی مقالات و گزارشات انجام شده توسط دیگران عوامل داخلی و بیرونی مورد الگو برداری قرار گرفت و هم چنین از طریق مصاحبه باز به صورت مستقیم با

تعدادی از کارفرمایان مورد نظر و تحلیل محتوای گفتگوی آن‌ها ساختار اولیه پرسشنامه طراحی گردید و سپس با توجه به نظرات فنی و تخصصی چندتن از کارشناسان آماری و محققین و اساتید دانشگاه در مورد روایی پرسش نامه، اصلاحات مورد نیاز در چند مرحله صورت گرفت و پرسش نامه نهایی به صورت سوالات کاملاً بسته تدوین گردید. سپس برای پایداری آن از طریق تکنیک دو نیمه کردن برای یک گروه ۳۰ نفره از کارفرمایان، پرسشنامه مورد نظر تکمیل و از طریق ضریب آلفای کرونباخ در سطح $a=0/86$ نسبت به پایداری مناسب آن اطمینان حاصل گردید. لازم به ذکر است در پرسشنامه اولیه، علاوه بر سوالات بسته، سوالات باز نیز مطرح گردید ولی به علت وقت گیر بودن آن و عدم تمایل در پاسخ گویی، ترجیح داده شد که حجم پرسش نامه‌ها کمتر شود و سوالات به صورت کاملاً بسته در آید.

لازم به ذکر است با هماهنگی قبلی با مسئولین هیات امنای شهرک‌های صنعتی مورد نظر و دعوت از کارفرمایان بنگاه‌های نیمه فعال، در طی جلساتی در محل ساختمان هیات امنای، ضمن تشریح اهداف تحقیق توسط محقق و گفتگوی متقابل کارفرمایان و اظهار نظر آن‌ها پیرامون مشکلات و تنگناهای موجود، پرسش نامه‌های مورد نظر در بین کارفرمایان توزیع و کارفرمایان نظرات خود را مکتوب و سپس پرسش نامه‌ها جمع‌آوری گردید. برخی از بنگاه‌ها نیز بعد از خود اظهاری و تکمیل پرسش نامه‌ها، آن‌ها را به خانه صنعت و معدن استان اصفهان فاکس و یا ارسال نمودند. برای بنگاه‌های غیر فعال، برخی از آن‌ها طی دعوت قبلی در محل خانه صنعت و معدن استان حضور مستقیم یافته و نظرات خود را بیان داشتند و برخی نیز از طریق ارتباط تلفنی نظرات خود را بیان داشته که در پرسش نامه‌های مربوطه مکتوب گردید.

ابزار تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات به صورت متغیرهای آمار توصیفی هم چون میانگین، فراوانی، تحلیل محتوی، تجزیه و تحلیل پرتو، و نمودار راداری و برخی متغیرهای آمار استنباطی می‌باشد.

اگرچه در این تحقیق نظرات کارفرمایان به تصویر کشیده می‌شود، ولی برای جامعیت موضوع با حضور مستقیم با تنی چند از کارشناسان مالیاتی و بانکی نیز مصاحبه‌ای صورت گرفت که آن‌ها نیز نظرات ویژه خود را ارائه کرده‌اند.

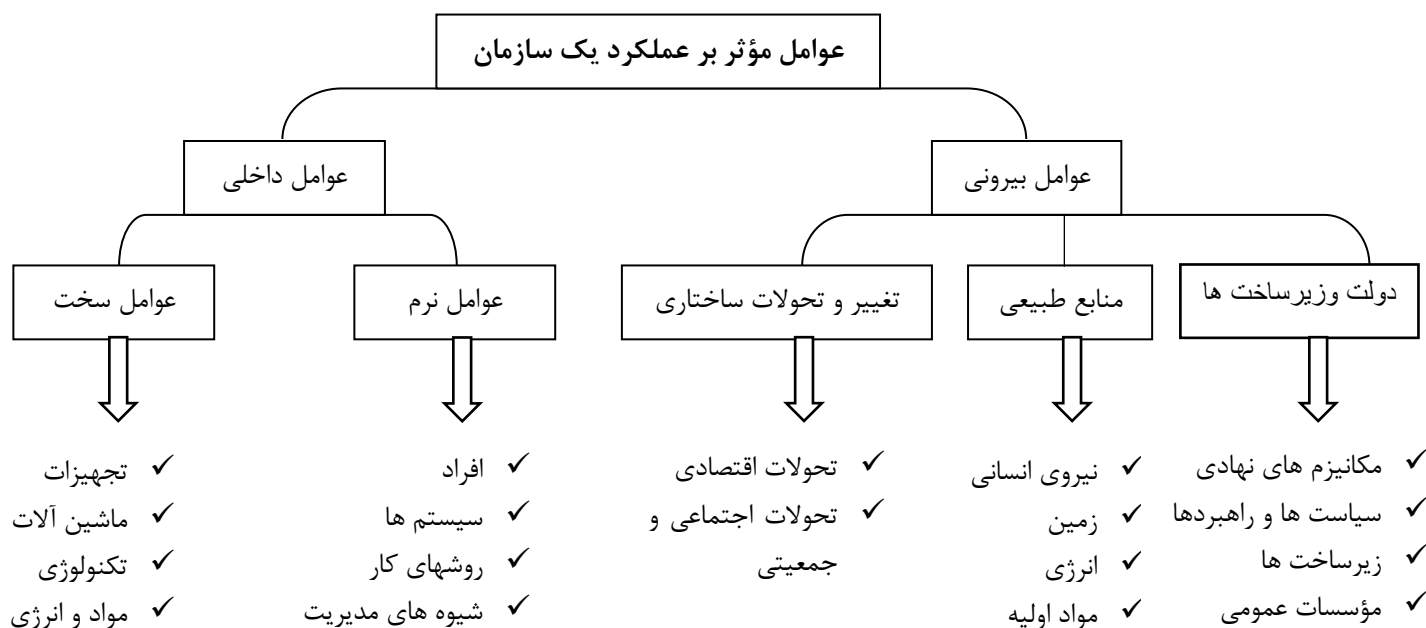
از محدودیت‌های مهم بر سر راه پژوهش عدم تمایل برخی از کارفرمایان شرکت‌های تعطیل شده و غیر فعال در انجام مصاحبه می‌باشد که حتی برخی از آن‌ها رفتار مناسبی نیز نداشتند. محدودیت دیگر آنکه برای تکمیل پرسش نامه‌های ویژه بنگاه‌های نیمه فعال با حضور مکرر در محل هیات امنای شهرک‌های صنعتی مختلف و توزیع پرسش نامه‌ها و عدم هم‌کاری برخی بنگاه‌ها در تکمیل به موقع و عودت آن‌ها، نیاز به جایگزینی بنگاه‌های دیگر به مدت زمان اجرای پروژه می‌افزود. در این تحقیق علاوه بر بررسی نظرات کارفرمایان بنگاه‌های مورد نظر، سایر مطالعات پیرامون موانع و عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد

بررسی و هم چنین مطالعه ای مبتنی بر جامعه شناختی توسعه اقتصادی و صنعتی و تاریخی صورت گرفته است. تا بتوان به عارضه های اساسی توسعه صنعتی کشور نیز پی برد ، یعنی عارضه ها و آسیب هایی که تاحد زیادی می توانند بستر ساز تنگناها و محدودیت های فعلی توسعه اقتصادی و صنعتی کشور و استان اصفهان باشن

ب) عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی :

عوامل متعددی بر عملکرد و موفقیت یا عدم موفقیت یک سازمان و یا یک واحد تولیدی صنعتی و اقتصادی تاثیر می گذارد . براساس طبقه بندی (موخرجی وسینک، ۱۹۷۵) عوامل خارجی (غیر قابل کنترل) و عوامل داخلی (قابل کنترل) ، عوامل مهم تاثیرگذار در عملکرد می باشند.عوامل خارجی ،عواملی هستند که خارج از کنترل سازمان می باشد و تاثیرات آن ها بر بنگاه ها متفاوت است. از این رو شناخت و تجزیه و تحلیل عوامل بیرونی برای تصمیم گیری های مدیریت بنگاه ها سرنوشت ساز می باشد.

عوامل داخلی ،عواملی هستند که در کنترل مدیریت بنگاه ها می باشد. و شناخت آنها و تجزیه و تحلیل مداوم آنها نیز در اتخاذ تصمیمات راهبردی مهم است. مدل ادغام شده طبقه بندی فوق در نمودار شماره (۴) قابل ملاحظه می باشد.(دفتر بین المللی کار ، ۱۳۷۲)



نمودار ۱ : عوامل مؤثر بر عملکرد سازمان

عوامل بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی :

_ دولت وزیر ساخت ها

دخالت دولت و اندازه آن در اقتصاد و فرآیند توسعه اقتصادی از مناقشات تاریخی می باشد. تولید کالاهای عمومی ، برقراری امنیت داخلی و خارجی کشور ، تقویت زیربناها ، مدیریت دوران رکود و تورم ، مدیریت تجارت خارجی ، و بستر سازی برای توسعه و رقابت از دلایل دخالت دولت ها به حساب می آید. و نظریات مطرح شده در این زمینه در دو طیف افراطی حداقل دخالت دولت ها براساس نظریات کلاسیکی و لیبرالیستی هم چون (آدام اسمیت) و همه کاره شدن دولت برای اجتماعی کردن عوامل تولید بر اساس نظریات رادیکالیستی افرادی هم چون مارکس قرار می گیرد.

سیاست ها و راهبردهای کلان اقتصادی :

سیاست ها و راهبردهای کلان اقتصادی که از سوی دولت ها تدوین می گردد و به اجرا در می آید، بر فعالیت های بنگاه های تولیدی و صنعتی و بخش خصوصی بسیار تاثیر می گذارد. از استراتژی های مهم تجربه شده در کشورهای درحال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم ، راهبرد جایگزینی واردات و راهبرد توسعه صادرات می باشد (فرجادی، ۱۳۷۱).

خمیر مایه راهبرد جایگزینی واردات براین اساس استوار است که از واردات کالاهای ساخته شده جلوگیری به عمل می آید و درعوض تولیدات داخلی جایگزین کالاهای مشابه خارجی وارداتی گردد. بزرگ ترین مزیت این راهبرد آن است که می تواند درجه اشتغالزایی بالایی به همراه داشته باشد. ولی محدودیت ها و معایب زیادی به همراه دارد از جمله :

۱_ این راهبرد نیاز به سطح سرمایه گذاری همه جانبه در کلیه بخش های اقتصادی دارد.

۲_ نیازمند حمایت های شدید دولت ها در برقراری تعرفه های گمرکی بالایی می باشد. از آن جایی که ممکن است در عرصه تجارت بین الملل ، کشورهای دیگر نیز دست به اقدامات متقابل بزنند ، بنابراین در تجارت بین الملل و سطح آن ، محدودیت ایجاد می کند.

۳_ این راهبرد عمدتاً متکی به تکنولوژی های بومی و کاربر می باشد. بنابراین نوآوری ها و پیشرفت های تکنولوژیکی کم تر رخ می دهد.

۴_ چون کالاهای داخلی خود را در معرض رقابت نمی بینند، مصرف کننده مجبور است هر جنس بنجلی را با کیفیت پایین و قیمت نامناسب خریداری کند. بنابراین حاکمیت مصرف کننده سلب می شود و بدین ترتیب قدرت رقابتی بنگاه ها در سطح جهانی کاهش می یابد.

۵_ ضعف رقابت از سوی تولیدکنندگان و رقابت ناسالم بین آن ها باعث می گردد که روحیه تحقیق و توسعه و جایگاه آن در توسعه بعدی اجتماعی و اقتصادی و صنعتی به فراموشی سپرده شود.

۶_ از منابع اقتصادی به طور بهینه ای استفاده نمی شود و مزیت های نسبی و مطلق راهنمایی برای تخصیص بهینه منابع نخواهد بود.

اتکاء عمده راهبرد توسعه صادرات بر توسعه صادرات محصولات به خارج می باشد. مزایای این راهبرد عبارتند از :

۱_ توسعه صادرات موجب می شود که تغییر و تحولات تکنولوژیکی به خوبی دنبال شود. و از این طریق تولید کنندگان با دانش های فنی روز نیز آشنا شوند.

۲_ استفاده از تکنولوژی های روز ، باعث می گردد که شیوه های نوین مدیریت ، بازاریابی ، روابط انسانی و بسته بندی های نوین به کار گرفته شود.

۳_ چون تفکر صادراتی شکل می گیرد ، کالاهایی می توانند صادر شوند که قدرت رقابت بالایی داشته باشند. بنابراین به کیفیت و بهره وری اهمیت داده می شود و مدیریت بهره وری منابع از سوی بنگاه های تولیدی و صنعتی در حد بالایی قرار می گیرد.

۴_ صادرات کالا باعث انتقال فرهنگ کار و فرهنگ ملی یک کشور به سایر کشورها می گردد.

۵_ با صادرات بیشتر ، اقتصاد ملی و سهم آن در اقتصاد جهانی بالاتر و تثبیت می گردد و منابع ارزی خوبی حاصل کشور می شود. که می تواند اهداف و فرآیند بعدی توسعه را سرعت بخشد.

۶_ توسعه صادرات باعث می شود که به نیازهای مشتریان و مصرف کنندگان اهمیت داده شود و بنابراین حاکمیت مصرف کننده حفظ می گردد.

راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی تجربه شده در دنیا به گونه ای دیگر در ۶ حالت قابل طبقه بندی هستند (گریفن، ۱۳۷۵) :

- استراتژی پولی
- استراتژی اقتصاد باز
- استراتژی صنعتی شدن
- استراتژی انقلاب سبز
- استراتژی توزیع مجدد درآمد و ثروت
- استراتژی های سوسیالیستی

راهبرد صنعتی شدن :

در چارچوب این راهبرد، چنان چه بخش صنعت توسعه یابد ، می تواند موتور محرکه رشد سریع تر اقتصادی گردد. این راهبرد با سه رویکرد متفاوت تجربه شده است :

رویکرد اول؛ تاکید بر تولید کالاهای مصرفی صنعتی برای مصرف داخلی دارد که نیازمند حمایت های گمرکی شدید توسط دولت دارد.

رویکرد دوم؛ تاکید بر تولید کالاهای سرمایه ای صنعتی دارد که بایستی تحت نظارت و اداره دولت باشد.

رویکرد سوم؛ تاکید بر توسعه بخش صنعت جهت صادرات کالاهای صنعتی معین می باشد که ترکیبی از برنامه ریزی ارشادی دولت و کمک های مستقیم و غیر مستقیم دولت را می طلبد.

دو نکته اساسی در مورد اتخاذ راهبردهای توسعه را بایستی در نظر گرفت:

الف) راهبرد های تجربه شده در کشورهای جهان دارای آثار متفاوتی بوده است. مثلا در راهبرد صنعتی شدن، هندوستان راهبرد صنعتی شدن را با تاکید بر کالاهای سرمایه ای و خود اتکایی ، برزیل صنعتی شدن را از طریق استراتژی جایگزین واردات ، و کره جنوبی راهبرد صنعتی شدن از طریق توسعه صادرات فرآورده های صنعتی برنامه ریزی شده را برگزیدند و به کار گرفتند ، و آثار متفاوت این سه رویکرد به شرح جدول (۶) می باشد :

جدول (۴) : ارزش یابی سه رویکرد صنعتی شدن :

| مدل هندی | مدل برزیلی | مدل کره جنوبی | |
|----------|------------|---------------|--------------------------------|
| ۳ | ۲ | ۱ | ۱. رشد تولیدات صنعتی |
| ۱ | ۳ | ۲ | ۲. ثبات رشد |
| ۳ | ۲ | ۱ | ۳. رشد صادرات صنعتی |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴. توسعه صنایع کالای سرمایه ای |
| ۳ | ۲ | ۱ | ۵. کارآیی تولیدات صنعتی |
| ۳ | ۲ | ۱ | ۶. ایجاد اشتغال |
| ۲ | ۳ | ۱ | ۷. میزان برابری درآمدها |
| ۳ | ۲ | ۱ | ۸. رشد درآمد سرانه |

ملاحظه می شود که رویکرد کره جنوبی در ۸ معیار مورد نظر ، در شش مورد در جایگاه اول قرار می گیرد. (ب) داشتن راهبرد معین برای توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی و شفاف گونه ، در شکل دادن حرکت فعالیت های بخش خصوصی و دولتی و جایگاه هرکدام بسیار نقش آفرین می باشد. مثلا در الگوی کره جنوبی ، تکلیف بخش خصوصی در حرکت های اقتصادی اش تا حد زیادی مشخص است. و بیش ترین منابع سرمایه گذاری با رویکرد توسعه صادرات و در زمینه های معین که بر اساس اولویت ها تعیین می گردد ، به کار گرفته می شود. از سویی تولیدات با جهت گیری صادراتی ، چگونگی مدیریت منابع سرمایه گذاری را نیز بازگو می کند.

تغییر و تحولات ساختاری در فرآیند توسعه اقتصادی :

تغییر و تحول ساختاری اقتصادی و جابجایی مشاغل در بخش های اقتصادی :

جدول (۵): توزیع جمعیت فعال در آمریکا (درصد)

| سال | کشاورزی | صنعت | خدمات |
|------|---------|------|-------|
| ۱۸۲۰ | ۷۲/۸ | ۱۲ | ۱۵/۲ |
| ۱۸۵۰ | ۶۴/۸ | ۱۷/۶ | ۱۷/۶ |
| ۱۸۷۰ | ۵۳/۸ | ۲۲/۶ | ۲۳/۶ |
| ۱۹۰۰ | ۳۷/۴ | ۲۹ | ۳۳/۶ |
| ۱۹۲۰ | ۲۶/۷ | ۳۳/۲ | ۴۰/۱ |
| ۱۹۴۰ | ۱۹/۳ | ۳۱/۱ | ۴۹/۶ |
| ۱۹۶۰ | ۸ | ۳۲ | ۶۰ |
| ۱۹۸۰ | ۴/۶ | ۲۹/۵ | ۶۶/۹ |
| ۱۹۹۰ | ۳/۵ | ۱۹ | ۷۸ |

منبع: ژان فوراستیه، ۲۰۰۱

جدول (۶): توزیع جمعیت فعال در فرانسه

| سال | کشاورزی | صنعت | خدمات |
|------|---------|------|-------|
| ۱۹۰۱ | ۴۲ | ۳۰ | ۲۸ |
| ۱۹۴۶ | ۳۶ | ۳۲ | ۳۲ |
| ۱۹۷۰ | ۱۴ | ۴۰ | ۴۶ |
| ۱۹۷۵ | ۱۱ | ۳۹ | ۵۰ |
| ۱۹۸۰ | ۸/۹ | ۳۵/۸ | ۵۵/۳ |

منبع: ژان فوراستیه، ۲۰

جدول (۷) : توزیع جمعیت فعال در برخی کشورها ی منتخب براساس توسعه انسانی (درصد)

| خدمات | صنعتی | کشاورزی | گروه کشورها |
|-------|-------|---------|----------------------|
| ۲۵/۵ | ۱۰/۳ | ۶۴/۷ | توسعه انسانی پایین : |
| ۱۳/۳ | ۲/۷ | ۸۵ | نیجر |
| ۱۳/۱ | ۶/۲ | ۸۰/۶ | سنگال |
| ۳۸ | ۱۳/۳ | ۴۷/۷ | پاکستان |
| ۲۶/۱ | ۱۴/۱ | ۵۹/۸ | توسعه انسانی متوسط |
| ۳۶/۸ | ۹/۷ | ۵۳/۵ | اندونزی |
| ۸۹/۱ | ۱۴۶ | ۲۴/۹ | سوریه |
| ۴۶/۸ | ۹/۲ | ۴۳/۴ | فیلیپین |
| ۶۰/۸ | ۲۶/۳ | ۱۲/۹ | توسعه انسانی بالا : |
| ۷۳/۶ | ۲۵/۶ | ۰/۸ | سنگاپور |
| ۷۸ | ۱۹ | ۳ | آمریکا |
| ۶۳/۵ | ۳۱/۷ | ۴/۸ | آلمان غربی |

منبع : گزارشات توسعه انسانی دبیرخانه سازمان ملل

جدول (۸) : شاخص حجم تولید سرانه نیروی کار شاغلین بخش کشاورزی (۱۰۰=۱۹۳۹)

| سال | فرانسه | آمریکا |
|-----------|--------|---------|
| ۱۷۵۰-۱۸۰۰ | ۲۰ | ۱۵ |
| ۱۸۹۵-۱۹۰۰ | ۶۸ | ۶۲ |
| ۱۹۱۰-۱۹۱۳ | ۷۵ | ۷۳ |
| ۱۹۳۰-۱۹۳۴ | ۹۵ | ۸۹ |
| ۱۹۳۵-۱۹۳۹ | ۱۰۰ | ۹۴ |
| ۱۹۴۸-۱۹۴۹ | ۹۰ | ۱۵۰ |
| ۱۹۵۰-۱۹۵۱ | ۱۰۰ | ۱۶۰ |
| ۱۹۵۹-۱۹۶۳ | ۲۰۰ | ۲۶۰ |
| ۱۹۶۵-۱۹۶۹ | ۲۶۰ | ۳۴۰ |
| ۱۹۷۸-۱۹۷۹ | ۵۰۰ | ۶۰۰-۶۵۰ |

همان منبع

تغییر و تحول ساختاری تکنولوژیکی و مدیریت بهره وری در فرایند توسعه :

در گذر تاریخی توسعه و از شیوه های سنتی تولید به شیوه های مدرن تولیدی ، تکنولوژی مرتبا تغییر می کند. می توان محورهای انقلاب های اساسی در تکنولوژی را بشرح زیر دانست :

- کاربرد ابزار سنگ، ساخت نیزه، تیر و کمان، آسیب بادی و آبی، چرخ نخ رسی، چرخ چاه، چرخ کوزه گری

- کاربرد ماشین بخار که انقلاب صنعتی سده هیجدهم را تحقق بخشیده است.

- خط تولیدانبوه و زنجیره ای که انقلاب صنعتی اوایل سده بیستم را در پی داشت.

- کاربرد تکنولوژی اطلاعات که انقلاب صنعتی دهه ۱۹۷۰ را به همراه داشت.

آن چه مهم است، پیشرفت های تکنولوژیکی در طی زمان چون مبتنی بر دانش های انباشته شده جامعه بشری قرار می گیرد، سرعت تحولات شتابان می گردد و همین امر موجبات دگرگونی های عمیقی در زندگی بشری می گردد. در عین حال ، تکنولوژی ذاتا موجب پیشرفت نمی گردد، بلکه مدیریت به کارگیری آن که نیازمند بسترهای زیربنایی آموزشی ، فرهنگی و اجتماعی و مهارتی می باشد ، بسیار تعیین کننده می باشد.

مهم ترین نقش مدیریت توسعه صنعتی یک کشور در فرایند توسعه اقتصادی به کارگیری روش های بهبود یافته است که قدرت تطبیق پذیری نیروی کار با تحولات تکنولوژیکی و با هدف بهبود مستمر بهره وری را به وجود آورد. بنابراین در پی تغییر و تحولات تکنولوژیکی بایستی تغییر و تحولات دیگری متناسب و متجانس با آن صورت گیرد که به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱- ترکیب نیروی کار دگرگون شود و سهم نیروی کار متخصص و انعطاف پذیر و با مهارت کافی در کل نیروی کار افزایش یابد. به عنوان مثال نسبت کارگران ساده در آمریکا در سال ۱۸۳۰ حدود ۵۶٪ می باشد که در سال ۱۹۱۰ به ۳۵٪ و در سال ۱۹۴۰ به ۱۸٪ می رسد ، و یا در فرانسه طی سال های ۱۹۵۴ الی ۱۹۷۵ تعداد مهندسان بیش از سه برابر و تعداد کادرهای فنی بیش از دو برابر شده است، در حالی که تعداد کارگران فقط ۱۱ درصد افزایش یافته است(فوراستیه، ۱۳۶۱) .

۲- تحرک افقی و عمودی از طریق "غنی سازی شغلی"^۱ و "توسعه شغلی"^۲ نیروی کار و ایجاد انعطاف پذیری در ساختار سازمانی .

۳- پرورش احساس غرور و افتخار نسبت به شغل و مسئولیت پذیری از سوی نیروی کار.

۴- بهبود مداوم بهره وری در سازمان .

۵- اتخاذ راهبردهایی که تولیدات انبوه تر وتنوع تولیدات را جهت صرفه جویی ناشی از مقیاس و گسترش بازارها در پی داشته باشد.

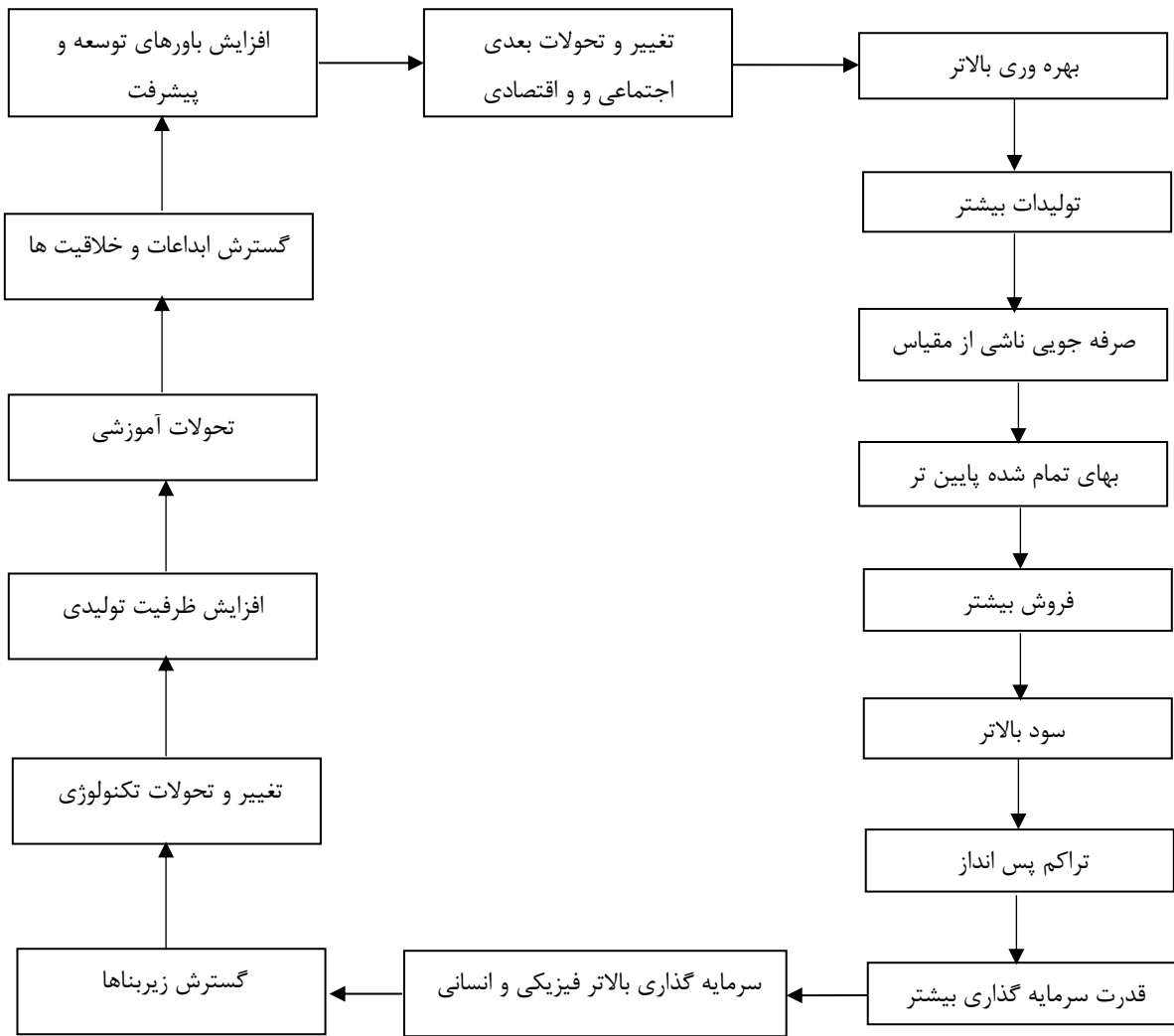
۶- اعتقاد به حاکمیت مصرف کننده .

¹Job enrichment

² Job enlargement

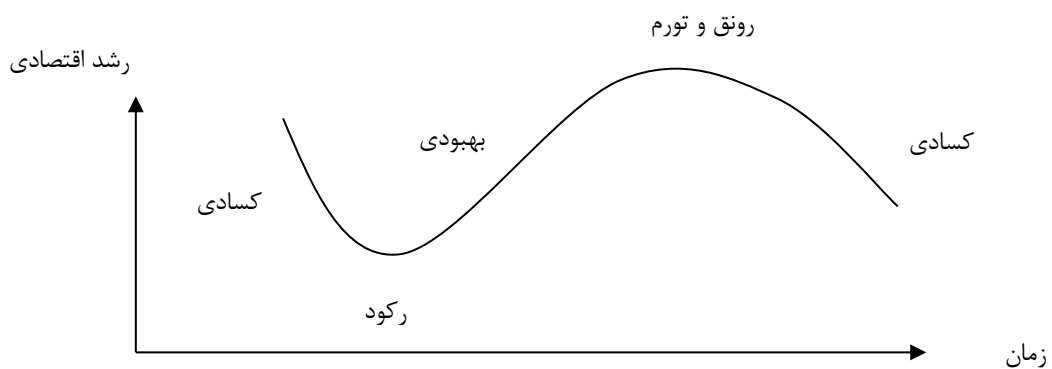
۷_ اتخاذ راهبردهایی در سطح کلان و ملی به گونه ای که موجبات رقابت سالم و آزاد را فراهم آورد و رقابت
موجبی شود برای شکل گیری خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی . زیرا رقابت سالم و آگاهانه در جهت حاکمیت
مصرف کنندگان و مشتریان در بطن و ذات خود روحیات کارآفرینی را گسترش می دهد و این پدیده موجب
گسترش خطوط تولید می گردد.

۸_ روحیه توسعه طلبی در تسخیر بازارهای جهانی موجب گسترش روحیات همکاری در بین تولید کنندگان
و سهامداران می گردد .



نمودار ۲: جریان دایره وار تغییر و تحولات ، بهره وری و توسعه

دوران رکودی و تورمی :



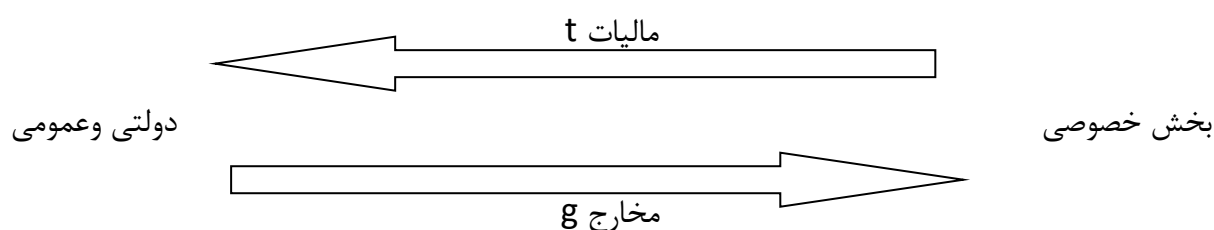
نمودار ۳: سیکل تجارتي

عوامل رقابتی در محیط صنعتی :

بر اساس مدل ارائه شده از سوی "پورتر"^۳ هر بنگاه اقتصادی و تولیدی و صنعتی در میدان رقابت و محیط صنعتی که در آن حوزه فعالیت می کند ، تحت تاثیر پنج نیرو قرار می گیرد. این پنج نیرو عبارتند از رقابتی فعلی ، رقابتی بالقوه ، محصولات جایگزین ، عرضه کنندگان مواد اولیه و قطعات و توزیع کنندگان محصولات بنگاه (فرد، ۱۳۹۳).

نظام مالیاتی و فضای کسب و کار:

مالیات اگرچه از مهم ترین منابع درآمدی برای دولت ها می باشد، ولی ابزار مهم سیاست گذاری نیز به حساب می آید و از این طریق رابطه ای دوسویه و متقابل بین دولت و فعالان اقتصادی و جامعه به وجود می آید. سیاست گذاری های دولت ها در بستر سازی تحقق اهداف کلان اقتصادی مانند رشد و توسعه مستمر ، توزیع عادلانه تر درآمدها و ثبات اقتصادی و اشتغال بهینه و کامل منابع انسانی ، فیزیکی و مالی موجود می باشد. بنابراین هرچه قدر فضای کسب و کار از طریق سیاست گذاری های پویا و مناسب به ویژه سیاست های مالیاتی بهبود یابد و رونق اقتصادی حاکم شود، نه تنها بخش خصوصی بهتر رشد می کند و به رونق در می آید ، بلکه در رابطه دوسویه بین بخش خصوصی و بخش دولتی و عمومی ، پایه های مالیاتی و در نتیجه حجم مالیات های دولت نیز افزایش می یابد. می توان رابطه دوسویه و متقابل را به صورت نمودار زیر تجسم کرد :



نمودار ۴: رابطه متقابل بخش خصوصی و دولتی

نظام مالیاتی هر کشور بایستی دارای ویژگی هایی باشد تا بتواند بالاترین اثربخشی و کارایی را داشته باشد. مشخصات سیستم مالیاتی مطلوب عبارتند از:

۱- عدالت مالیاتی ، به گونه ای که افراد جامعه ، نهادها و بخش های مختلف اقتصادی به نسبت سهم خود در تولید ناخالص داخلی کشور و فعالیت های خود ، مالیات بپردازند و فرار مالیاتی در حداقل خود قرار گیرد.

³ porter

۲- موجبات رشد فعالیت های مولد شود و از فعالیت های کاذب و غیرمولد نرخ های مالیاتی بالاتری دریافت شود.

۳- انگیزه تولید بیشتر و صادرات بیشتر را در بر داشته باشد.

۴- مالیات وضع شده بایستی از نظر زمان ، مکان ونحوه ی پرداخت و میزان مالیات پرداختی ، بسیار شفاف و منطقی باشد.

۵- هزینه وصول مالیات در حداقل باشد.

۶- اعتماد کامل بین دولت و نهاد مالیاتی و فعالان اقتصادی مودیان مالیاتی برقرار باشد.

۷- از انعطاف پذیری و تنوع پذیری برخوردار باشد. و در شرایط مختلف رکودی و تورمی بتوان اصلاحاتی انجام داد به گونه ای که کم ترین فشار مالیاتی و بار مالیاتی بر دوش افراد جامعه تحمیل گردد.

۸- نظام مالیاتی باید دارای تنوع منابع مالیاتی باشد و قابل درک و فهم برای کلیه مودیان مالیاتی باشد.

۹- اخذ مالیات کم ترین انحراف را در مصرف کننده و تولیدکننده داشته باشد. به گونه ای که تعادل روزمره زندگی شغلی دچار مشکل نگردد. (رجبی راد و همتان ، ۱۳۹۳).

– نرخ بهره – تورم – سرمایه گذاری خارجی – عوامل سیاسی

عوامل سیاسی به مسایل داخلی و روابط بین المللی کشورها مربوط می گردد. در عرصه داخلی تغییر در سطوح مدیریتی عالی موجب تغییر در نگرش ها و سیاست گذاری های اقتصادی می گردد. به طور کلی هرگونه تغییر نهادی ، بر دامنه ریسک های سرمایه گذاری در بخش صنعت خواهد افزود واز منظر سرمایه گذاران خارجی این موضوع به لحاظ مشکلات بین المللی ایران با جهان بعد از انقلاب اسلامی ، بر ریسک های سرمایه گذاری افزوده است (رهبر ، خامنه ومحمدی ، ۱۳۸۶)

عوامل داخلی موثر بر عملکرد صنایع :

۱-عوامل انسانی ۲-عوامل فیزیکی ۳-سایر عوامل داخلی

جدول (۹) : مؤلفه ها و مستندات عوامل مهم داخلی مؤثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط

| مستندات | مؤلفه ها | ابعاد |
|---|---|------------------------|
| (کیم و مون، ۲۰۰۷) (مورگان و توماس، ۲۰۰۶)، کرایسر و ویور، ۲۰۰۶، (سان ، یزدانی و آورند ۲۰۰۵)، (برادفورد و فلورین، ۲۰۰۳)، (برن رویدر، ۲۰۰۲)، هافمن و اسکولسر، ۲۰۰۱) و (رایس و کدکس، ۱۹۹۸) | احساس تعلق اعضا نسبت به شرکت ،مسئولیت پذیری اعضا ، میزان مشارکت اعضا، در تصمیم گیری ها ، بهره وری نیروی انسانی، سرعت تصمیم گیری ،برون سپاری ، ریسک پذیری ، خلاقیت و نوآوری، ارتباطات سازمانی ، پاسخگویی سریع و نیروی انسانی متخصص | عوامل مدیریتی |
| (باربرو یودل، ۲۰۰۶)،(دیکسنس و ویور و هوی، ۲۰۰۶)، (ویلکنسون و برودرز، ۲۰۰۶)، (آندرس و نوس، ۲۰۰۵)، (برن رویدر، ۲۰۰۲)، (پیل و بریج، ۱۹۹۸). | سرعت تحویل کالا ، مطلوبیت بسته بندی ، توزیع محصولات ،مزایای رقابتی در قیمت محصولات ،سرعت ارائه محصولات جدید به بازار ، مشتری گرایی، به کارگیری تبلیغات مناسب، به کارگیری سیستم های مؤثر باخورد، تجارت الکترونیک، برخورداری از نام تجاری و برند، مناسب بودن خدمات پس از فروش | عوامل بازاریابی و فروش |
| (پاپ و فریمن، ۲۰۰۶)، (کویان، ۲۰۰۳)، (آندرس و ایرایی، ۲۰۰۲). | برخورداری از استانداردهای بین المللی، ملاحظات زیست محیطی ، کیفیت کالاهای تولیدی ، میزان ضایعات تولیدی ، انعطاف پذیری ساختار تولید، توانمندی در تولید محصولات جدید، و کار آمدی هزینه های تولید. | تولید و عملیات |
| (لی و کین ، ۲۰۰۷) ، (ویکسون و ویوروهوی ، ۲۰۰۶) ، (ویون پورت ، ۲۰۰۵) ، (براد فورد و فلورین ، ۲۰۰۳) ، (کویان ، ۲۰۰۳) ، (دایس و کرکس ، ۱۹۹۸)، (پیلوبریج ، ۱۹۹۸) | میزان توجه به تحقیق و توسعه ، برخورداری از تکنولوژی نوین تولید ، ارتباطات اثر بخش بین واحد تحقیق و توسعه و سایر واحدها ، دسترسی کارکنان به تحقیق و توسعه | تحقیق و توسعه |
| (سمون و کیم ، ۲۰۰۷)، (پانسیموری ، ۲۰۰۷) (،وود کرزو و استیج ورتز ، ۲۰۰۶)، (دیکسون ، ویور و هوی ، ۲۰۰۶) ، (برگر و یودل ، ۲۰۰۶) ، اندرسون و اندرسون ، ۲۰۰۷) ، (پیل و بریج ، ۱۹۹۸). | برخورداری از حاشیه سود مناسب ، توان نقدینگی و منابع مالی ، تامین منابع مالی از مشتریان ، تامین سرمایه گذاری مالی جدید ، و تامین منابع مالی برای بکارگیری تکنولوژی جدید | مالی |
| (دانگ و لین ، ۲۰۰۸) ، (سون ، کیم و مون ، ۲۰۰۷) ، (مارانت و رانگل ، ۲۰۰۷)، (مورگان و کلبورن و توماس، ۲۰۰۶) ، (کرایسر و ویور ، ۲۰۰۶) ، (برگر و یودر ، ۲۰۰۶) ، (لین و شانگ) ، (اندرسون و فوس ، ۲۰۰۵) | میزان بکارگیری سیستم اطلاعات مدیریت ، میزان بکارگیری فناوری اطلاعات ، میزان بروز شدن داده ها ، تاثیر فناوری در جمع آوری اطلاعات و تصمیم گیری ، افزایش سرعت در شناسایی اطلاعات | فناوری اطلاعات |

| | | |
|----------------|---|--|
| منابع انسانی | جذب نیروی زبده و کارآمده ، توانمندی نیروی انسانی ، نیروی انسانی با تحصیلات دانشگاهی ، به کارگیری مشاوران خارجی و داخلی ، جذب و بکارگیری مدیران کارآمد | (مارات ، وگامی ورائنگل ، ۲۰۰۷)، (لی و کین ، ۲۰۰۷) (لین و شانگ ، ۲۰۰۵) ، (سان و اورند ، ۲۰۰۵) ، (پیل و بریج ، ۱۹۹۸) |
| ساختار سازمانی | پیچیدگی ، رعایت سلسله مراتب، مشارکت پرسنل و زیردستان در تصمیمات، به کارگیری دستورالعمل ها و بخشنامه ها | (لین و شانگ ، ۲۰۰۵) ، (براد فورد و فلورین ، ۲۰۰۳) (لی و کیم ، ۲۰۰۷) |
| اندازه شرکت | ظرفیت فیزیکی کارخانه، تعداد پرسنل ،تعداد داده ها و ستانده ها، تعداد منابع موجود سازمان به صورت ثروت یا خالص دارایی ها | (دانگ و لین ، ۲۰۰۸) ، (ویکسون ، ویورو هاوی ، ۲۰۰۶) ، (ویلکین سون و برادرز ، ۲۰۰۶) ، (کرایسر و ویور ، ۲۰۰۶) ، (کیکان ، ۲۰۰۳) ، (واین و کرکس ، ۱۹۹۸) |
| استراتژی ها | بررسی شاخص های تجارتي همچون مزیت های رقابتی ، انتخاب انتخاب استراتژی های محدود ، عملکرد و تصمیمات سرمایه گذاری در بازار محصول | (لی و کیم ، ۲۰۰۷) ، (کاپاپ و فری من ، ۲۰۰۶) ، (براد فورد و فلورین ، ۲۰۰۳) ، (برن رویدر ، ۲۰۰۲) ، (هافمن و اسکولسر ، ۲۰۰۱) و (نایت ، ۲۰۰۱) |
| سیستم سازمانی | توافق اعضا برای اهداف، تعیین اهداف شفاف و روشن، به کار گیری سیستم های کنترلی مناسب ، انعطاف پذیری سیستم سازمانی ، به کار گیری سیستم های پاداش مناسب ، به کار گیری سیستم های پیشنهادات مناسب | (پانسیری ، ۲۰۰۷) ، (کیم ، ۲۰۰۷) ، (دیکسن و ویور هووی ، ۲۰۰۶) ، (کینگ و برگس ، ۲۰۰۶) (اندرسن و نرس ، ۲۰۰۵) ، (سان و آورند ، ۲۰۰۵) ، (دیج و پتی ، ۲۰۰۴) ، (کیان ، ۲۰۰۳) ، (گرین هالک ، ۲۰۰۰) |

منبع : درینی وهمکاران ، ۱۳۹۲

مدیریت ریسک :

در فرهنگ وبستر ، ریسک به معنای در معرض خطر قرار گرفتن است. از نظر مارکوتیز ، ریسک انحراف معیار چند دوره یک متغیر است که در طول یک دوره معین و در یک موقعیت معین اتفاق می افتد. ویلیامز (۱۹۸۵) ، ریسک را به صورت ترکیبی از خطر و فرصت نشان می دهد و از نظر اسپدینگ (۲۰۰۸) ریسک عبارت است از هر چیزی که مانع دستیابی سازمان به اهدافش می شود. مدیریت ریسک نظامی است که سازمان ضمن شناسایی و تحلیل ریسک ها مجموعه فنون و راهبردهایی را برای رویارویی آن اتخاذ می کند. میزان موفقیت مدیریت ریسک به میزان توانمندی در ارزیابی ریسک ها و به کار گیری ترکیب بهینه ای از راهبردها و وجود یک بازخور مناسب ، بستگی دارد . مدیریت ریسک متشکل از ۳ جزء اساسی می باشد : ۱- شناسایی و تحلیل ریسک ۲- فنون و راهبردهای رویارویی با ریسک ۳- بازخور مناسب . و این اجزاء اصول بنیادین مدیریت ریسک را شامل می گردد (حسینی ومطهری، ۱۳۹۳).

مواردی از پیشنهاد مطالعات پیرامون موضوع :

براساس نتایج تحقیق و با توجه به رتبه میانگین شاخص ها از بین ۵۳ شاخص که به عنوان موانع اجرای خط مشی های صنعتی کشور انتخاب شده اند، ۱۱ متغیر به عنوان مهم ترین موانع تعیین شده اند (اعرابی و رزقی رستمی، ۱۳۸۲) :

۱- نبود شبکه اطلاعاتی کارآمد ۲- فقدان خط مشی ها و سیاست های جامع صنعتی ۳- عدم تطبیق مسئولیت های محوله با تخصص و دانش افراد ۴- ساختار نامناسب واحدهای صنعتی کشور برای حضور در بازار جهانی در رقابت های بین المللی ۵- عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته و فناوری جدید ۶- روشن نبودن اهداف ۷- فقدان اعتماد عمومی به سرمایه گذاری در بخش صنعت ۸- فقدان اختیار لازم در مجریان ۹- فعال نبودن مراکز تحقیق و توسعه ۱۰- مراجع متعدد قانون گذاری ۱۱- ناپایداری نسبی و بی ثباتی قوانین ومقررات اقتصادی.

مهم ترین عوامل مؤثر در ریسک سرمایه گذاری در صنعت ایران عبارتند از (میرزاخانی و نوری، ۱۳۹۲) :

- تعدد، بی ثباتی و نامتناسب بودن بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی کشور با شرایط جهانی صنعت
- رانت جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه
- عدم تعهد و پای بندی برخی نهادهای دولتی و بخش عمومی به اجرای صحیح قوانین
- بی ثباتی در شاخص های اقتصاد کلان به ویژه تورم و نرخ ارز
- بهره وری پایین و عدم رقابت پذیری قیمت تمام شده تولیدات داخلی با نمونه های مشابه خارجی
- بالابودن نرخ مالیاتی بخش صنعت به دلیل شفافیت این بخش و راحت الوصول بودن آن
- محدودیت ارتباطی با کشورهای دیگر به منظور ورود دانش فنی و ماشین آلات جدید در بخش صنعت
- توسعه نیافتگی بازار سرمایه و بوروکراتیک و رانتهی بودن تامین مالی از طریق شبکه بانکی کشور
- بالابودن نرخ سود تامین مالی طرح های سرمایه گذاری بدون در نظر گرفتن حاشیه سود صنایع
- فقدان قوانین کار مناسب به نفع کارگر و کارفرما در توسعه بخش صنعت
- فقدان زیرساخت های مناسب در بخش های تامین انرژی، راه ها و فناوری اطلاعات

- فقدان فرهنگ سازی مصرف کالاهای داخلی در جامعه

- فقدان مشوق های تولیدی مناسب به منظور حمایت از بخش صنعت

- وابستگی تولیدات صنعتی به ماشین آلات ، مواد اولیه و دانش فنی وارداتی

از بین عوامل فوق بر اساس مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) ، ۷ مورد اولویت دار به ترتیب جدول

شماره (۱۲) می باشد :

جدول (۱۰) : رتبه بندی مولفه های موثر بر افزایش ریسک سرمایه گذاری صنعتی در ایران

| ضریب وزنی | رتبه | عنوان مؤلفه |
|-----------|------|--|
| ۰/۲۰۴ | ۱ | بی ثباتی در اجرا و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات در ارتباط با صنعت |
| ۰/۱۸۱ | ۲ | مشکلات پرداخت های بخش صنعت (مالیات ، حق بیمه ، تعرفه گمرکی، عوارض و....) |
| ۰/۱۶۳ | ۳ | تبعات نوسانات شاخص های اقتصاد کلان از قبیل تورم و نرخ ارز بر بخش صنعت |
| ۰/۱۴۰ | ۴ | عدم وجود محیط رقابتی |
| ۰/۱۲۱ | ۵ | تبعات مسائل سیاسی در سطح بین المللی و داخلی بر بخش صنعت |
| ۰/۱۱۷ | ۶ | مشکلات نظام تامین مالی در بخش صنعت (اخذ وام بانکی) |
| ۰/۷۴ | ۷ | ضعف فنی و عدم تامین زیرساخت های اولیه استقرار واحدهای صنعتی |

همان منبع

پژویان و خسروی (۱۳۹۱) در بررسی های خود با عنوان تاثیر تورم بر سرمایه گذاری خصوصی و سایر عوامل

تاثیر گذار به نتایج زیر رسیده اند:

- هر واحد افزایش در سهم سرمایه گذاری دولتی ، باعث کاهش ۰/۰۰۰۱۱۵ در سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP می گردد، و از این رو سرمایه گذاری دولتی در پروژه هایی که به تولید کالا و خدمات رقیب برای بخش خصوصی می پردازند ، دارای اثر منفی روی سرمایه گذاری خصوصی می باشد.

- هر واحد افزایش در سهم مالیات بر شرکت ها از GDP ، حدود ۰/۰۰۲۱ واحد سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی از GDP را کاهش می دهد. و مالیات موجب می شود که هزینه استفاده از سرمایه زیاد گردد و موجودی سرمایه مطلوب را کاهش می دهد و تاثیر منفی بر سرمایه گذاری خواهد داشت.

- تورم چنانچه از سطحی بالاتر رود، هر واحد افزایش در آن ، باعث کاهش سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP به میزان ۰/۰۱۳ واحد می گردد.

- بین نرخ بهره و سرمایه گذاری برون رانی وجود دارد ، به گونه ای که هر واحد افزایش در نرخ بهره حدود ۰/۰۱۳ واحد سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP را کاهش می دهد. بنابراین سیاست هایی که بر روی نرخ بهره اثرگذار باشند، می توانند میل به پس انداز و سرمایه گذاری را تحت تاثیر قرار دهند. البته کاهش نرخ بهره یا هر سیاست اقتصادی به صورت دستوری نمی تواند اثرات قابل قبول بر متغیر های واقعی اقتصادی را به دنبال داشته باشد. دلیل آن ، این است که سیاست های دستوری در کوتاه مدت و موقتا ممکن است صورت گیرد ، اما در بلند مدت مؤثر نمی باشند. بنابراین سیاست هایی که در بلند مدت بتواند نرخ بهره را تحت تاثیر قرار دهد ، بر سرمایه گذاری مؤثر می باشد.

- هر واحد افزایش در تسهیلات بانکی برای حمایت از سرمایه گذاری حدود $10^{-8} \times 2/0$ واحد سهم سرمایه گذاری از GDP را افزایش می دهد. بنابراین با حمایت تشویق و سرمایه گذاری خصوصی به شکل تسهیلات و تامین اعتبار ، سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی افزایش می یابد و با توجه به کارایی بالاتر بخش خصوصی ، کارایی کل اقتصاد افزایش می یابد.

- اصلاحات صورت گرفته در اقتصاد ، تغییر سیاست های دولت ، گسترش و ترویج رقابت خارجی ، ایجاد فضای اطمینان و امنیت بر روی سرمایه گذاری بخش خصوصی اثر مثبت دارند. به گونه ای که هر واحد تغییر در سیاست ها جهت اصلاح ، حدود ۰/۲۰۳ واحد سهم سرمایه گذاری از GDP را افزایش می دهد.

- هر واحد افزایش در تامین اعتبار از صندوق ذخیره ارزی برای حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی ، سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی از GDP را حدود ۰/۲۶ واحد افزایش می دهد.

جدول (۱۱) : اولویت بندی موانع و مشکلات شرکت های کوچک و متوسط استان سمنان به ترتیب عبارتند از :

| اولویت رتبه | میانگین رتبه | شرح موانع و مشکلات |
|-------------|--------------|--|
| ۱ | ۸/۳۹ | کافی نبودن تسهیلات و حمایت های مالی |
| ۲ | ۵/۲۷ | مطلوب نبودن توانایی شرکت در شناخت بازار |
| ۳ | ۴/۸۳ | مناسب نبودن وضعیت قوانین و مقررات بازرگانی |
| ۴ | ۴/۷۷ | بالابودن هزینه های تولید |
| ۵ | ۴/۷۵ | مطلوب نبودن بسته بندی محصولات |
| ۶ | ۴/۳۱ | ضعف سیستم حمل و نقل |
| ۷ | ۴/۲۹ | مطلوب نبودن استاندارد و کیفیت محصولات |
| ۸ | ۴/۲۳ | مشکلات مالی شرکت ها |
| ۹ | ۴/۱۷ | مطلوب نبودن عوامل محیطی |

منبع : بیدختی وزرگر ، ۱۳۹۰

علی بخشی و داداشیان و شمس (۱۳۹۰) تاثیر عوامل انگیزشی نیروی انسانی را در بهره وری کارخانجات پوشاک مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. و مولفه های مورد نظر در انگیزش و بهبود آن و در نتیجه بهبود بهره وری به صورت زیر می باشند:

۱. شرایط بهداشتی محیط کار
۲. امنیت شغلی
۳. نحوه های حمایت مدیر از ایده ها و نظرات جدید و ابتکارات
۴. میزان مسئولیت پذیری
۵. اقتدار مدیریت در تصمیم گیری
۶. نحوه تعامل با کارکنان
۷. تحقیق و تسلط مدیر در امور مربوط به حوزه مسئولیت
۸. مشخص بودن نقش فرد در گروه
۹. کیفیت سیستم گرمایشی و سرمایشی
۱۰. توجه به خلاقیت و ارائه ایده های جدید
۱۱. میزان نور محیط کار
۱۲. هماهنگی افراد در گروه
۱۳. استفاده از لوازم و وسایل استاندارد کار
۱۴. پاداش نقدی
۱۵. نحوه به کارگیری شیوه های تشویقی
۱۶. دادن قدرت تصمیم گیری
۱۷. مشخص بودن اهداف گروهی
۱۸. نحوه ی واگذاری مسئولیت ها
۱۹. عدم وجود آلودگی محیط
۲۰. مشخص بودن مسئولیت ها و وظایف
۲۱. میزان نزدیکی و رابطه صمیمی افراد در گروه
۲۲. نحوه نظارت و ارزیابی شغلی
۲۳. رفاقت ، دلسوزی و توجه به امور شخصی کارکنان
۲۴. سعی در کاهش دردهای جسمانی ناشی از فشارکاری
۲۵. اختصاص مقدار فضای لازم محیط کاری
۲۶. وام و تسهیلات
۲۷. طراحی مطلوب محیط کاری
۲۸. نحوه ی به کارگیری شیوه های

تنبیهی ۲۹. چگونگی چیدمان و استقرار تجهیزات ۳۰. بهینه بودن تجهیزات ۳۱. تفویض اختیار ۳۲. میزان سهولت دسترسی به لوازم اداری محیط کار ۳۳. دارا بودن سوابق مدیریتی ۳۴. کار کردن به صورت گروهی ۳۵. رقابت میان گروه ها ۳۶. پاداش غیر نقدی و ۳۷. آموزش

عمیدی و غمخواری (۱۳۸۸)، طی مطالعه ای مهم ترین مشکلات و موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران را به چهار گروه تقسیم کرده اند :

۱- موانع بازار مانند خریدهای انحصاری ، نوسانات عرضه و تقاضا ، دسترسی به مواد اولیه در سطح کم که منجر به افزایش قیمت مواد اولیه می گردد و غیره

۲- موانع مالی مانند مشکلات مربوط به ارائه ضمانت های بانکی ، تاخیر در دریافت مطالبات ناشی از فروش ، فشار نقدینگی و کمبود سرمایه در گردش و غیره

۳- موانع عدم دسترسی به انواع اطلاعات ، مانند اطلاعات بازاریابی ، اطلاعات وضعیت مالی ، فناوری در صنایع کوچک و متوسط برای مشاوره به سرمایه گذاران برای انتخاب و شروع کسب و کار ، اطلاعات فنی و عملیاتی ، اطلاعات پیرامون چگونگی تامین مواد اولیه و غیره

۴- سیاست‌های دولت ها مانند ناتوانی در ایجاد محیطی توانمند ساز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ، موانع اداری و مقررات ، و فقدان نهادهای مناسب حل دعاوی احتمالی و اختلافات و غیره ...

بر اساس ارزیابی های بانک جهانی مرتبه و جایگاه فضای کسب و کار ایران در بین ۱۷۸ کشور در وضعیت نامناسبی قرار دارد ، جداول بعدی گویای آن می باشد

جدول (۱۲): بررسی مقایسه ای رتبه کسب و کار ایران در میان کشورهای جهان طی سال های ۲۰۰۷-۲۰۱۱

| شاخص | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۹ | ۲۰۱۰ | ۲۰۱۱ |
|---------------------------|------|------|------|------|------|
| رتبه کلی سهولت کسب و کار | ۱۳۱ | ۱۳۵ | ۱۴۲ | ۱۳۱ | ۱۲۹ |
| تاسیس و راه اندازی شرکت | ۶۶ | ۷۷ | ۷۳ | ۴۹ | ۴۲ |
| اخذ مجوز | ۱۵۸ | ۱۶۴ | ۱۶۴ | ۱۴۴ | ۱۴۳ |
| استخدام و اخراج نیروی کار | ۱۴۳ | ۱۴۱ | ۱۳۷ | ۱۳۷ | - |
| ثبت دارایی ها و مالکیت | ۱۴۱ | ۱۴۳ | ۱۵۲ | ۱۵۴ | ۱۵۶ |
| اخذ تسهیلات و اعتبارات | ۶۲ | ۶۸ | ۱۰۹ | ۱۰۹ | ۸۹ |
| حمایت از سرمایه گذاران | ۱۵۸ | ۱۵۸ | ۱۶۴ | ۱۶۵ | ۱۶۷ |
| پرداخت مالیات | ۹۴ | ۹۷ | ۱۰۷ | ۱۱۵ | ۱۱۵ |
| تجارت برون مرزی | ۱۲۹ | ۱۳۵ | ۱۳۲ | ۱۳۳ | ۱۳۱ |
| اجرای قرار دادها | ۵۴ | ۵۷ | ۵۴ | ۵۴ | ۴۹ |
| انحلال یک فعالیت | ۱۱۰ | ۱۱۸ | ۱۰۹ | ۱۰۸ | ۱۱۱ |

منبع: بانک مرکزی و سیاست های اقتصادی (۱۳۸۷) و سالاری (۱۳۹۰).

جدول (۱۳): شاخص مالیات در ایران در میان کشورها و رتبه کلی آن :

| شاخص | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۹ | ۲۰۱۰ | ۲۰۱۱ |
|-----------------------------|------|------|------|------|------|------|
| رتبه کلی مالیات | - | - | - | ۱۰۷ | ۱۱۵ | ۱۱۵ |
| تعداد پرداخت در سال | ۲۲ | ۲۲ | ۲۲ | ۲۲ | ۲۲ | ۲۰ |
| مدت زمان (ساعت) | ۳۴۴ | ۳۴۴ | ۳۴۴ | ۳۴۴ | ۳۴۴ | ۳۴۴ |
| میزان مالیات بر سود | - | - | - | - | ۱۷/۸ | ۱۷/۸ |
| میزان حق بیمه کارکنان در کل | - | - | - | - | ۲۵/۹ | ۲۵/۹ |
| نرخ کل مالیات | ۴۴/۲ | ۴۴/۲ | ۴۴/۲ | ۴۴/۲ | ۴۴/۲ | ۴۴/۱ |

منبع : سالاری ، ۱۳۹۰

بر اساس مطالعات و گزارشات آماری خانه صنعت و معدن استان اصفهان ، مهم ترین مشکلات واحدهای صنعتی استان اصفهان به ترتیب اولویت عبارتند از :

۱. کاهش بازارفروش
۲. مسایل پولی و مالی
۳. مالیات
۴. سرمایه در گردش
۵. نرخ بهره بالا
۶. تحریم ها
۷. واردات بی رویه
۸. بیمه
۹. عدم اجرای قوانین
۱۰. تکنولوژی
۱۱. نیروی انسانی متخصص

اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد ایران و مداخله و آزادی اقتصادی :

شاخص نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی معیاری برای اندازه دولت در اقتصاد هر کشوری به حساب می آید. جدول شماره ۱۱ گویای اندازه دولت مرکزی شامل وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی ، اندازه دولت عمومی شامل وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی و شهرداری ها و تامین اجتماعی و اندازه بخش عمومی^۴ شامل وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی و شهرداری ها و تامین اجتماعی و شرکت های دولتی و بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت می باشد. (چشمی و باز محمدی ، ۱۳۸۵):

جدول (۱۴) : اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد کشور :

| شرح | دروه ی رونق درآمدهای نفتی | دوره انقلاب و جنگ | برنامه اول توسعه | برنامه دوم توسعه | برنامه سوم- توسعه | برنامه چهارم توسعه |
|-------------------|---------------------------|-------------------|------------------|------------------|-------------------|--------------------|
| | ۱۳۵۲-۵۷ | ۱۳۵۸-۶۷ | ۱۳۶۸-۷۲ | ۱۳۷۳-۷۸ | ۱۳۷۹-۸۳ | سال ۱۳۸۴ |
| اندازه دولت مرکزی | ۴۵/۱ | ۲۷/۳ | ۱۷/۴ | ۲۲/۱ | ۲۰/۶ | ۲۶/۴ |
| اندازه دولت عمومی | ۴۵/۶ | ۲۸/۲ | ۱۸/۸ | ۲۳/۸ | ۲۲/۶ | ۲۸/۶ |
| اندازه بخش عمومی | ۶۳/۱ | ۴۰/۸ | ۳۹/۳ | ۵۰/۶ | ۵۳ | ۷۲/۲ |

ماخذ : اداره بررسی های اقتصادی بانک مرکزی ۱۳۸۵

^۴ در تعریف بخش عمومی ، نهادهایی مانند آستان قدس رضوی ، بنیاد جانبازان ، بنیاد شهید انقلاب اسلامی و غیره باید شامل ان شود ولی به لحاظ عدم دسترسی به اطلاعات آنها در این آمار و اطلاعات نیامده است.

جدول (۱۵) : منابع بودجه کل کشور به GDP

| شرح | دوره رونق درآمدهای نفتی | دوره انقلاب و جنگ | برنامه اول توسعه | برنامه دوم توسعه | برنامه سوم- توسعه | برنامه چهارم- توسعه |
|--|----------------------------|----------------------|---------------------|---------------------|----------------------|------------------------|
| | ۱۳۵۲-۵۷ | ۱۳۵۸-۶۷ | ۱۳۶۸-۷۲ | ۱۳۷۳-۷۸ | ۱۳۷۹-۸۳ | ۱۳۸۴ |
| بودجه کل کشور به GDP | ۶۷/۲ | ۴۲/۵ | ۴۲/۷ | ۵۹/۷ | ۷۱/۹ | ۸۹/۵ |
| بودجه شرکت های دولتی به GDP | ۵۵ | ۲۴/۳ | ۲۶ | ۳۹ | ۴۶/۴ | ۶۳/۱ |
| بودجه شرکت های دولتی به بودجه کل کشور | ۸۰ | ۵۳/۹ | ۶۰/۵ | ۶۵/۳ | ۶۴/۶ | ۷۰/۵ |

جدول (۱۶) : اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد کشور با توجه به پرداخت های جاری و عمرانی

| سال | دولت مرکزی | | | دولت عمومی | | | بخش عمومی | |
|------|-----------------------|-------------------------|----------------------|-----------------------|-------------------------|----------------------|-----------------------|-------------------------|
| | پرداخت جاری به GDP | پرداخت عمرانی به GDP | اندازه دولت مرکزی | پرداخت جاری به GDP | پرداخت عمرانی به GDP | اندازه دولت عمومی | پرداخت جاری به GDP | پرداخت عمرانی به GDP |
| ۱۳۷۴ | ۱۵/۳ | ۶/۹ | ۲۲/۲ | ۱۶/۱ | ۷/۹ | ۲۴ | ۳۷/۵ | ۱۰/۴ |
| ۱۳۷۵ | ۱۵/۱ | ۷/۷ | ۱۲/۱ | ۱۶ | ۸/۷ | ۲۴/۷ | ۳۷ | ۱۱/۳ |
| ۱۳۷۶ | ۱۵/۴ | ۷ | ۲۲/۴ | ۱۶/۳ | ۷/۹ | ۲۴/۲ | ۴۰/۳ | ۱۰/۴ |
| ۱۳۷۷ | ۱۶/۲ | ۵/۳ | ۲۱/۵ | ۱۷ | ۶/۱ | ۲۳/۱ | ۴۵/۸ | ۱۰ |
| ۱۳۷۸ | ۱۵/۵ | ۵/۷ | ۲۱/۲ | ۱۶/۳ | ۶/۷ | ۲۳/۱ | ۴۱/۲ | ۱۰/۴ |
| ۱۳۷۹ | ۱۴/۲ | ۳/۹ | ۱۸/۱ | ۱۵ | ۵ | ۲۰ | ۴۰ | ۸/۹ |
| ۱۳۸۰ | ۱۵ | ۳/۶ | ۱۸/۷ | ۱۵/۸ | ۴/۹ | ۲۰/۷ | ۴۰/۳ | ۸/۸ |
| ۱۳۸۱ | ۱۵/۹ | ۵/۹ | ۲۱/۸ | ۱۶/۷ | ۷/۲ | ۲۳/۹ | ۴۲/۲ | ۱۰/۶ |
| ۱۳۸۳ | ۱۶/۱ | ۶/۷ | ۲۲/۷ | ۱۶/۷ | ۸/۲ | ۲۴/۹ | ۴۶/۵ | ۱۰/۸ |
| ۱۳۸۴ | ۱۹/۴ | ۶/۹ | ۲۶/۴ | ۲۰/۱ | ۸/۵ | ۲۸/۶ | ۶۱/۱ | ۱۱/۱ |

همان منبع

جدول (۱۷) مقایسه عملکرد توسعه صنعتی ایران با برخی کشورهای منتخب جهانی

| عنوان شاخص | دوره زمانی | ایران | کشورهای صنعتی | کشورهای آسیای شرقی | کره جنوبی | سنگاپور | مالزی | کانادا | ایتالیا | ژاپن | آمریکا |
|---------------------------------------|------------|-------|---------------|--------------------|-----------|---------|-------|--------|---------|------|--------|
| نسبت واردات صنعتی به کل واردات (درصد) | -۱۹۶۰-۱۹۹۹ | ۶۶/۹ | ۶۰/۸ | ۶۶/۴ | ۵۷/۶۴ | ۶۱/۴۱ | ۶۹/۵۳ | ۷۸/۴ | ۵۱/۲ | ۳۱/۶ | ۶۳/۵ |
| | -۱۹۶۰-۱۹۷۰ | ۵۸/۳ | ۵۰/۶ | ۶۱/۲ | ۵۵/۹ | ۴۵/۳۷ | ۵۲/۳۱ | ۷۳/۶ | ۴۰/۷ | ۲۱/۸ | ۵۱/۳ |
| | -۱۹۷۰-۱۹۸۰ | ۷۱/۹ | ۵۴/۶ | ۶۲/۲ | ۵۳/۲۸ | ۵۵/۹۵ | ۶۳/۰۸ | ۷۶/۲ | ۴۳/۴ | ۲۱/۶ | ۵۵/۷ |
| | -۱۹۸۰-۱۹۹۰ | ۷۰/۱ | ۶۲ | ۶۴/۸ | ۵۵/۹۳ | ۶۱/۴۴ | ۷۳/۰۴ | ۷۹/۳ | ۵۱/۸ | ۳۰/۱ | ۶۶/۶ |
| | -۱۹۹۰-۱۹۹۹ | ۶۷/۱ | ۷۴/۳ | ۷۶/۳ | ۶۴/۵۳ | ۸۰/۵ | ۸۴/۵۳ | ۸۳ | ۶۷/۶ | ۵۱/۳ | ۷۷/۷ |
| نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات (درصد) | -۱۹۶۰-۱۹۹۹ | ۲/۴۷ | ۷۷/۶ | ۴۴/۱ | ۸۴/۰۲ | ۵۳ | ۳۲/۷۷ | ۵۳/۶ | ۸۴/۴ | ۹۴/۴ | ۶۸/۷ |
| | -۱۹۶۰-۱۹۷۰ | ۱/۵۷ | ۷۱/۹ | ۲۰/۴ | ۶۳/۰۸ | ۲۷/۲۲ | ۵/۳۸ | ۴۲/۸ | ۷۹/۲ | ۹۱/۵ | ۶۴/۵ |
| | -۱۹۷۰-۱۹۸۰ | ۰/۷۷ | ۷۶/۶ | ۳۱/۳ | ۸۴/۴ | ۴۰/۹۷ | ۱۳/۷۱ | ۴۹/۵ | ۸۳ | ۹۴/۲ | ۶۶/۱ |
| | -۱۹۸۰-۱۹۹۰ | ۰/۹۹ | ۷۸/۴ | ۴۷/۸ | ۹۱/۶۳ | ۵۷/۵۵ | ۳۲/۹ | ۵۷/۱ | ۸۵/۹ | ۹۶ | ۶۸/۹ |
| | -۱۹۹۰-۱۹۹۹ | ۶/۷۴ | ۸۲/۵ | ۷۲/۳ | ۹۲/۵۳ | ۸۰/۵۴ | ۷۰/۸۳ | ۶۲/۴ | ۸۸/۷ | ۹۵/۲ | ۷۸/۳ |

منبع: نیلی و همکاران، ۱۳۸۲

یکی از دلایل مهم رکود اقتصادی در کشور ، روند انقباضی دو عنصر مهم تقاضا یعنی هزینه های مصرف و تشکیل سرمایه ثابت می باشد :

جدول (۱۸) : رشد هزینه های مصرفی و سهم بخش خصوصی و دولتی از آن به قیمت ثابت سال ۸۳ (درصد)

| سال | رشد هزینه های مصرفی | هزینه های مصرفی نهایی - بخش خصوصی | هزینه های نهایی بخش دولتی | رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص | ماشین آلات | ساختمان |
|-------|---------------------|-----------------------------------|---------------------------|------------------------------|------------|---------|
| ۱۳۸۰ | ۵/۴۲ | ۴/۷۲ | ۰/۶ | ۲۴/۶ | ۱۷/۲ | ۱۶/۸ |
| ۱۳۸۱ | ۹/۳۶ | ۸/۶۲ | ۰/۶۴ | ۶/۶۸ | -۲/۲۹ | ۱۷/۹۷ |
| ۱۳۸۲ | ۱/۹۹ | ۱/۲ | ۰/۷۹ | ۶/۳۷ | ۴/۶۲ | ۲/۹۲ |
| ۱۳۸۳ | ۸/۷۴ | ۶/۹۳ | ۱/۸۱ | ۷/۹ | ۷/۲۳ | ۱/۴۵ |
| ۱۳۸۴ | ۷/۵۷ | ۶/۵۸ | ۰/۹۹ | ۴/۶۵ | ۱/۲ | ۶/۹۶ |
| ۱۳۸۵ | ۷/۹۹ | ۶/۶۲ | ۱/۳۸ | -۱/۴ | -۰/۷۸ | -۱/۲۷ |
| ۱۳۸۶ | ۸/۵۸ | ۱۰/۱۶ | -۱/۵۸ | ۱۱/۱۴ | ۰/۷۳ | ۲۱/۴۸ |
| ۱۳۸۷ | -۲/۸۹ | -۳/۰۵ | ۰/۱۶ | ۱۰/۹۸ | ۳/۲۵ | ۱۷/۴۷ |
| ۱۳۸۸ | ۱/۹۴ | ۱/۹۲ | ۰/۰۲ | ۲/۹۴ | ۱/۱۳ | ۴/۲۴ |
| ۱۳۸۹ | ۲/۷۸ | ۳/۴۵ | -۰/۶۷ | ۳/۸۵ | ۳/۴۱ | ۱/۰۲ |
| ۱۳۹۰ | ۲/۹ | ۳/۴۷ | -۰/۵۷ | ۳/۵۱ | ۲/۹۳ | ۱/۳۱ |
| ۱۳۹۱ | -۳/۵۶ | -۱/۴۵ | -۱/۱۱ | -۲۳/۸ | -۱۶/۳ | -۱۶/۴۱ |
| ۱۳۹۲ | -۰/۶۲ | -۰/۸۷ | ۰/۲۴ | -۶/۸۶ | -۶/۱۹ | -۱/۷۲ |
| متوسط | ۳/۹۲ | ۳/۷۲ | ۰/۳ | ۳/۹ | ۱/۲۳ | ۰/۶۳ |

منبع : بانک مرکزی

جدول (۱۹) : سهم بخش های صنعت از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۸۳ (درصد)

| گروه صنایع | ۸۱ | ۸۲ | ۸۳ | ۸۴ | ۸۵ | ۸۶ | ۸۷ | ۸۸ | ۸۹ | ۹۰ | ۹۱ | متوسط |
|----------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| غذایی و آشامیدنی | ۱/۹۱ | ۱/۷۲ | ۱/۶۲ | ۱/۷۶ | ۱/۸۹ | ۱/۵۹ | ۱/۴۸ | ۱/۶۳ | ۲ | ۲/۱ | ۲/۵۳ | ۱/۸۶ |
| نساجی و پوشاک | ۱/۳۳ | ۰/۹۸ | ۰/۷۹ | ۰/۸۳ | ۰/۷۹ | ۰/۶۵ | ۰/۷۳ | ۰/۶۹ | ۰/۷۳ | ۰/۵۹ | ۰/۶۷ | ۰/۸ |
| چوب | ۰/۳۶ | ۰/۱ | ۰/۱ | ۰/۰۹ | ۰/۰۷ | ۰/۰۶ | ۰/۰۶ | ۰/۰۸ | ۰/۱ | ۰/۰۶ | ۰/۰۶ | ۰/۱ |
| کاغذ، مقوا و چاپ | ۰/۲۱ | ۰/۳۲ | ۰/۳۶ | ۰/۳۲ | ۰/۳۸ | ۰/۲۸ | ۰/۲۹ | ۰/۳ | ۰/۲۷ | ۰/۲۵ | ۰/۲۴ | ۰/۲۹ |
| چهارگروه اول | ۳/۸۱ | ۳/۱۲ | ۲/۸۷ | ۳ | ۳/۱۳ | ۲/۵۸ | ۲/۵۶ | ۲/۷ | ۳/۱ | ۳/۱ | ۳/۵ | ۳/۰۴ |
| شیمیایی | ۲/۷۷ | ۲/۶۷ | ۲/۸۹ | ۳/۴ | ۳/۲ | ۳/۰۶ | ۲/۹۵ | ۳/۳۲ | ۲/۹۱ | ۲/۳۳ | ۳/۵۲ | ۳/۰۹ |
| کانی غیر فلزی | ۱/۶۳ | ۱/۸۵ | ۱/۷۱ | ۱/۶۳ | ۱/۷۵ | ۱/۹۵ | ۲/۱۴ | ۲/۴ | ۲/۵۸ | ۲/۳۵ | ۲/۵۹ | ۲/۰۵ |
| فلزات اساسی | ۱/۹۲ | ۲/۲۶ | ۲/۳۸ | ۲/۳۲ | ۲/۱۳ | ۲/۱۹ | ۲/۱۲ | ۱/۹ | ۲/۰۸ | ۲/۱۵ | ۲/۲۹ | ۲/۱۶ |
| ماشین آلات و تجهیزات | ۴/۱۳ | ۴/۶۳ | ۴/۶۱ | ۴/۶۸ | ۵/۰۷ | ۴/۶۷ | ۵/۰۵ | ۵/۴۹ | ۵/۷۳ | ۵/۷۱ | ۴/۴۲ | ۴/۹۳ |
| چهارگروه دوم | ۱۰/۴۵ | ۱۱/۴۱ | ۱۱/۵۹ | ۱۲/۰۳ | ۱۲/۱۵ | ۱۱/۸۷ | ۱۲/۲۶ | ۱۳/۱۱ | ۱۳/۳ | ۱۳/۵۴ | ۱۲/۸۲ | ۱۲/۲۳ |
| مجموع کل سهم صنعت | ۱۲/۲۶ | ۱۴/۵۳ | ۱۴/۴۶ | ۱۵/۰۳ | ۱۵/۲۹ | ۱۴/۴۵ | ۱۴/۸۲ | ۱۵/۸۲ | ۱۶/۴۱ | ۱۶/۶۴ | ۱۶/۳۲ | ۱۵/۲۷ |
| متوسط دوره | | | | | | | | | | | | ۱۵/۱۷ |
| | | | | | | ۱۴/۳۴ | | | | | ۱۶ | |

منبع : بانک مرکزی و محاسبات محقق

جدول (۲۰): رشد تولید ناخالص داخلی و سهم صنعت و رشد ارزش افزوده صنعت به قیمت ثابت سال ۱۳۸۲ (درصد)

| سال | ۸۱ | ۸۲ | ۸۳ | ۸۴ | ۸۵ | ۸۶ | ۸۷ | ۸۸ | ۸۹ | ۹۰ | ۹۱ | متوسط کل |
|--|--------|-------|-------|-------|------|--------|-------|------|-------|------|---------|----------|
| رشد تولید ناخالص داخلی | ۸/۱۲ | ۸/۴۲ | ۴/۶۴ | ۶/۳۲ | ۶/۰۷ | ۷/۷۴ | ۰/۶۴ | ۱/۲۷ | ۶/۴۸ | ۴/۳ | -۶/۷۸ | ٪ ۴/۳ |
| جایگاه صنعت در رشد GDP | ۱/۷۱ | ۱/۵ | ۰/۶ | ۱/۵۳ | ۱/۱۹ | ۰/۲۹ | ۰/۴۵ | ۱/۲ | ۱/۶۶ | ۰/۹۲ | -۱/۴ | ٪ ۰/۱۸۸ |
| سهم صنعت در رشد GDP | ٪ ۲۱ | ٪ ۱۸ | ٪ ۱۳ | ٪ ۲۴ | ٪ ۲۰ | ٪ ۳/۷ | ٪ ۷۰ | ٪ ۹۵ | ٪ ۱۸ | ٪ ۲۲ | -٪ ۲۰/۷ | ٪ ۲۰/۵ |
| جایگاه سایر بخش ها در رشد GDP | ۶/۴۱ | ۶/۹۲ | ۴/۰۴ | ۴/۸ | ۴/۸۸ | ۷/۴۵ | ۰/۱۹ | ۰/۰۷ | ۴/۸۲ | ۳/۳۸ | -۵/۳۸ | ٪ ۳/۴ |
| سهم سایر بخش ها در رشد GDP | ٪ ۷۹ | ٪ ۸۲ | ٪ ۸۷ | ٪ ۷۶ | ٪ ۸۰ | ٪ ۹۶/۳ | ٪ ۳۰ | ٪ ۵ | ٪ ۸۲ | ٪ ۷۸ | -٪ ۷۹/۳ | ٪ ۷۸/۵ |
| رشد ارزش افزوده صنعت | ۱۲/۵۴ | ۱۰/۵۱ | ۴/۱ | ۱۰/۵۱ | ۷/۹۳ | ۱/۹۴ | ۳/۱۱ | ۸ | ۱۰/۴۹ | ۵/۶۳ | -۸/۴۶ | ٪ ۶/۰۳ |
| متوسط رشد GDP | ٪ ۶/۸۹ | | | | | ٪ ۱/۱۸ | | | | | - | |
| متوسط رشد ارزش افزوده صنعت | ٪ ۷/۹۱ | | | | | ٪ ۳/۷۶ | | | | | - | |
| رشد ارزش افزوده ۴ گروه اول صنایع | ۶/۵۹ | -۳ | -۰/۸۱ | ۲/۴۷ | ۲/۲ | -۲/۲۴ | -۰/۱۳ | ۱/۲ | ۳/۸۲ | ۰/۷۲ | ۱/۰۱ | ٪ ۱/۰۸ |
| رشد ارزش افزوده ۴ گروه دوم صنایع | ۵/۹۷ | ۱۳/۵۲ | ۴/۹۱ | ۸/۰۴ | ۵/۷۳ | ۴/۱۸ | ۳/۲۴ | ۶/۸ | ۶/۶۷ | ۴/۹۱ | -۹/۴۵ | ٪ ۴/۹۶ |
| متوسط رشد ارزش افزوده ۴ گروه اول صنایع | ٪ ۰/۸۷ | | | | | ٪ ۱/۳۲ | | | | | - | |
| متوسط رشد ارزش افزوده ۴ گروه دوم صنایع | ٪ ۷/۰۶ | | | | | ٪ ۲/۴۳ | | | | | - | |

منبع: بانک مرکزی و محاسبات محقق

جدول (۲۱) : سهم هریک از بخش ها از ارزش افزوده صنعت

(درصد)

| سال | ۸۱ | ۸۲ | ۸۳ | ۸۴ | ۸۵ | ۸۶ | ۸۷ | ۸۸ | ۸۹ | ۹۰ | ۹۱ | متوسط کل |
|----------------------|---------|-------|-------|-------|-------|---------|-------|-------|-------|-------|-------|----------|
| صنایع غذایی | ۱۳/۴۱ | ۱۱/۸۷ | ۱۱/۲۳ | ۱۱/۷ | ۱۲/۳۹ | ۱۱ | ۹/۹۶ | ۱۰/۳۳ | ۱۲/۱۹ | ۱۳/۲۶ | ۱۵/۴۹ | ۱۲/۰۸ |
| صنایع نساجی | ۹/۳۲ | ۶/۷۴ | ۵/۴۹ | ۵/۵۲ | ۵/۱۸ | ۴/۵۲ | ۴/۹۵ | ۴/۳۷ | ۴/۴۷ | ۳/۵۳ | ۴/۰۸ | ۵/۲۹ |
| صنایع چوب | ۲/۵۲ | ۰/۷ | ۰/۶۷ | ۰/۵۹ | ۰/۴۵ | ۰/۴۴ | ۰/۴۳ | ۰/۵۱ | ۰/۶۲ | ۰/۳۵ | ۰/۳۷ | ۰/۷ |
| صنایع کاغذ | ۱/۴۸ | ۲/۱۷ | ۲/۴۷ | ۲/۱۳ | ۲/۴۹ | ۱/۹۷ | ۱/۹۴ | ۱/۸۷ | ۱/۶۵ | ۱/۴۸ | ۱/۴۹ | ۱/۹۲ |
| صنایع شیمیایی | ۱۹/۴۳ | ۱۸/۳۸ | ۱۹/۹۸ | ۲۲/۶۲ | ۲۰/۹ | ۲۱/۱۷ | ۱۹/۹ | ۲۰/۹۹ | ۱۷/۷ | ۲۰/۰۱ | ۲۱/۵۶ | ۲۰/۲۴ |
| صنایع کانی غیر فلزی | ۱۱/۴۲ | ۱۲/۷۴ | ۱۱/۸۶ | ۱۰/۸۲ | ۱۱/۴۶ | ۱۳/۵ | ۱۴/۴۲ | ۱۵/۲ | ۱۵/۷۴ | ۱۴/۱۱ | ۱۵/۸۷ | ۱۳/۳۸ |
| صنایع فلزات اساسی | ۱۳/۴۷ | ۱۵/۵۶ | ۱۶/۴۲ | ۱۵/۴۵ | ۱۳/۹۴ | ۱۵/۱۴ | ۱۴/۳۲ | ۱۱/۹۹ | ۱۲/۷ | ۱۲/۹۴ | ۱۴/۰۵ | ۱۴/۱۸ |
| صنایع ماشین آلات | ۲۸/۹۶ | ۳۱/۸۵ | ۳۱/۸۸ | ۳۱/۱۷ | ۳۳/۱۹ | ۳۲/۲۶ | ۳۴/۰۹ | ۳/۷۳ | ۳۴/۹۳ | ۳/۲۳ | ۲۷/۱۰ | ۳۲/۲۳ |
| ۴ گروه اول | ۲۶/۷۳ | ۲۱/۴۸ | ۱۹/۸۶ | ۱۹/۹۴ | ۲۰/۵۱ | ۱/۹۳ | ۱۷/۲۷ | ۱۷/۰۸ | ۱۸/۹۳ | ۱۸/۶۲ | ۲۱/۴۳ | ۲۰ |
| ۴ گروه دوم | ۷۳/۲۷ | ۷۸/۵۲ | ۸۰/۱۴ | ۸۰/۰۶ | ۷۹/۴۸ | ۸۲/۰۷ | ۸۲/۷۹ | ۸۲/۹۲ | ۸۱/۰۷ | ۸۱/۳۸ | ۸۱/۵۷ | ۸۰ |
| متوسط سهم ۴ گروه اول | ٪ ۲۱/۰۸ | | | | | ٪ ۱۸/۶۸ | | | | | - | |
| متوسط سهم ۴ گروه دوم | ٪ ۷۸/۹۲ | | | | | ٪ ۸۱/۳۲ | | | | | - | |

منبع: بانک مرکزی و محاسبات محقق

در مطالعاتی برای الگوسازی تجربی برای ارزش افزوده بخش صنعت چهار فاکتور مهم می تواند بر رشد اقتصادی و ارزش افزوده صنعت و توان رقابتی محصولات صنعتی تاثیر گذار باشد، تولید و انتقال فناوری ، سرمایه گذاری و انباشت سرمایه فیزیکی ، سیاست های ارزی و درآمد های نفتی. نتایج کلی این مطالعه عبارتست از :

۱- به ازای هر یک درصد افزایش درآمدهای نفتی برای بلند مدت ، حدود $0/48$ درصد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن افزایش می یابد.

۲- هر یک درصد افزایش در سرمایه گذاری بخش صنعت و معدن در بلند مدت موجب افزایش $0/9$ درصد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن می گردد. بین سال های 1368 تا 1383 سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن به طور متوسط سالیانه $10/5$ درصد رشد کرده است که شاهد رشد های مثبت ارزش افزوده این بخش می باشیم . در حالی که سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن طی سالهای 84 تا 91 به طور متوسط $5/5$ درصد رشد کرده است ، که شاهد رشد های منفی ارزش افزوده این بخش در سال های 91 و 92 می باشیم.

۳- اگر نرخ ارز حقیقی یک درصد افزایش یابد ، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به میزان $0/56$ درصد افزایش می یابد.

۴- چنان چه واردات کالاهای سرمایه ای به میزان یک درصد افزایش یابد ، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن حدود $0/39$ درصد افزایش می یابد. (همان منبع) .

جدول (۲۲) : برخی از نماگرها مربوط به صنایع کوچک (۱۰ - ۴۹ نفر) در کل کشور (میلیارد ریال)

| نماگرها | ۸۶ | ۸۷ | ۸۸ | ۸۹ | ۹۰ | ۹۱ | ۹۲ | ۹۳ | متوسط |
|----------------------------------|-------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| تعداد کارگاه | ۱۳۰۴۲ | ۱۲۳۰۰ | ۱۱۴۴۰ | ۱۰۷۱۱ | ۱۰۴۸۹ | ۱۰۳۵۵ | ۹۹۷۳ | ۹۷۷۲ | ۱۱۰۱۰ |
| درصد تغییرات | ۷/۳ | -۵/۷ | -۷ | -۶/۴ | -۲/۱ | -۱/۲ | -۳/۷ | -۲ | -۲/۶ |
| تعداد شاغلین - هزار نفر | ۲۸۹ | ۲۷۳ | ۲۵۶ | ۲۴۴ | ۲۳۵ | ۲۳۸ | ۲۳۰ | ۲۲۱ | ۲۲۳ |
| درصد تغییرات | ۸/۲ | -۵/۵ | -۶/۳ | -۴/۷ | -۳/۷ | ۱/۳ | -۳/۴ | -۳/۹ | -۲/۳ |
| جبران خدمات کار | ۱۰۲۱۱ | ۱۱۷۲۶ | ۱۲۷۶۱ | ۱۳۷۳۰ | ۱۵۸۶۹ | ۲۰۶۱۶ | ۲۳۲۶۹ | ۲۷۲۰۱ | ۱۶۷۹۸ |
| درصد تغییرات | ۲۰/۸ | ۱۴/۷ | ۸/۹ | ۷/۶ | ۱۵/۶ | ۲۹/۹ | ۱۲/۹ | ۱۶/۹ | ۱۵/۹ |
| ارزش تولیدات | ۹۳۵۱۱ | ۹۸۷۶۰ | ۱۰۰۵۱۸ | ۱۲۶۱۶۷ | ۱۶۱۱۸۷ | ۲۶۲۶۸۱ | ۲۷۳۶۸۲ | ۲۹۸۹۴۸ | ۱۷۶۹۳۲ |
| درصد تغییرات | ۳۸/۶ | ۵/۶ | ۱/۸ | ۲۵/۵ | ۲۷/۸ | ۵۰/۶ | ۱۲/۸ | ۹/۲ | ۲۱/۴۵ |
| میزان صادرات - میلیون دلار | ۴۲۴ | ۳۷۶ | ۳۸۶ | ۴۷۷ | ۵۹۳ | ۵۳۲ | ۸۷۱ | ۷۱۱ | ۵۴۶ |
| درصد تغییرات | ۳۰/۸ | ۱۱/۳ | ۲/۵ | ۲۳/۱ | ۲۴/۸ | -۶/۹ | ۵۷/۸ | -۱۸/۴ | ۱۵/۶۴ |
| ارزش سرمایه گذاری | ۶۳۰۹ | ۶۴۲۲ | ۴۹۸۸ | ۵۲۵۰ | ۵۲۶۸ | ۸۳۲۷ | ۹۳۰۶ | ۱۳۵۱۸ | ۷۳۸۶ |
| درصد تغییرات | ۶۳/۷ | ۱/۸ | -۲۲/۳ | ۵/۳ | ۰/۳ | ۰/۳ | ۱۱/۸ | ۴۶ | ۲۰/۶ |
| ارزش نهاد ه | ۶۵۱۶۷ | ۶۸۱۸۱ | ۶۹۸۵۳ | ۹۰۵۱۷ | ۱۱۲۴۴۰ | ۱۷۴۰۲۰ | ۱۹۷۷۲۸ | ۲۱۶۶۳۴ | ۱۲۴۳۱۸ |
| درصد تغییرات | ۳۸/۲ | ۴/۶ | ۲/۵ | ۲۹/۶ | ۲۴/۲ | ۵۴/۸ | ۱۳/۶ | ۹/۶ | ۲۲/۱۴ |
| ارزش ستانده | ۹۷۹۳۲ | ۱۰۳۰۵۲ | ۱۰۴۹۴۶ | ۱۳۰۹۱۸ | ۱۶۶۸۲۰ | ۲۴۸۸۰۲ | ۲۸۰۴۰۴ | ۳۰۸۹۲۶ | ۱۸۰۲۲۵ |
| درصد تغییرات | ۳۸/۷ | ۵/۲ | ۱/۸ | ۲۴/۷ | ۲۷/۵ | ۴۹/۲ | ۱۲/۷ | ۱۰/۲ | ۲۱/۲۵ |
| ارزش افزوده | ۳۲۷۶۵ | ۳۶۸۷۰ | ۳۵۰۹۴ | ۴۰۴۰۱ | ۵۴۴۸۰ | ۷۴۷۸۳ | ۸۲۶۷۳ | ۹۲۲۹۲ | ۵۶۱۷۰ |
| درصد تغییرات | ۳۱/۴ | ۶/۴ | ۰/۶ | ۱۵/۱ | ۳۴/۸ | ۳۷/۳ | ۱۰/۶ | ۱۱/۶ | ۱۸/۴۸ |
| ارزش افزوده سرانه شاغلین | ۰/۱۱۳ | ۰/۱۳۵ | ۰/۱۳۷ | ۰/۱۶۶ | ۰/۲۳ | ۰/۳۱۴ | ۰/۳۶ | ۰/۴۱۸ | ۰/۲۲۳ |
| درصد تغییرات | - | ۱۹/۴۷ | ۱/۴۸ | ۲۱/۱۷ | ۳۸/۵۵ | ۳۶/۵ | ۱۴/۶۵ | ۱۶/۱۱ | ۲۱/۱۳ |
| متوسط شاغلین هر بنگاه | ۲۲/۶ | ۲۲/۲ | ۲۲/۳۸ | ۲۲/۷۸ | ۲۲/۶ | ۲۲/۹۸ | ۲۳/۰۶ | ۲۲/۶۲ | ۲۲/۶ |
| درصد تغییرات | - | -۱/۷۷ | ۰/۸۱ | ۱/۷۸ | -۰/۷۹ | ۱/۶۸ | ۰/۳۵ | -۱/۹ | ۰/۰۲۳ |
| متوسط سرانه جبران خدمات هر کارکن | ۰/۰۳۵ | ۰/۰۴۳ | ۰/۰۵ | ۰/۰۵۶ | ۰/۰۶۶ | ۰/۰۸۷ | ۰/۱ | ۰/۱۲۳ | ۰/۰۷ |
| درصد تغییرات | - | ۲۲/۸۸ | ۱۶/۲۸ | ۱۲ | ۱۷/۸۶ | ۳۱/۸۲ | ۱۴/۹۴ | ۲۳ | ۱۹/۸۲ |
| شاخص قیمت تولید کننده | ۴۱/۵ | ۵۲ | ۵۳/۷ | ۶۸/۳ | ۱۰۰ | ۱۲۹ | ۱۶۵/۴ | ۱۹۲ | - |
| درصد تغییرات | ۱۷/۸ | ۲۵/۳ | ۳/۳ | ۲۷ | ۴۶/۶ | ۳۹ | ۲۸/۲ | ۱۶/۱ | ۲۵/۴ |

منبع : طرح آمارگیری کارگاه های صنعتی - مرکز آمار و محاسبات محقق

جدول (۲۳): مقایسه برخی نماگرهای صنایع کوچک (۱۰ - ۴۹ نفر) در کشور و استان اصفهان سال های ۹۰ - ۹۳

| شرح نماگر | ۹۰ | ۹۱ | ۹۲ | ۹۳ | متوسط |
|---------------------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|
| تعداد کل بنگاه ها : | | | | | |
| کشور | ۱۰۴۸۱ | ۱۰۳۵۵ | ۹۹۷۳ | ۹۷۷۲ | ۱۰۱۴۵ |
| اصفهان | ۱۲۸۴ | ۱۲۲۵ | ۱۱۵۳ | ۱۰۳۰ | ۱۱۷۳ |
| سهم اصفهان (درصد) | ۱۲/۲۵ | ۱۱/۸۳ | ۱۱/۵۶ | ۱۰/۵۴ | ۱۱/۵۵ |
| تعداد کل شاغلین : | | | | | |
| کشور | ۲۳۷۲۳۹ | ۱۳۷۶۷۵ | ۲۳۰۰۳۵ | ۲۲۱۱۴۵ | ۲۰۶۵۲۴ |
| اصفهان | ۳۰۱۲۹ | ۲۸۲۳۶ | ۲۷۰۹۸ | ۲۵۰۷۸ | ۲۷۶۳۵ |
| سهم اصفهان (درصد) | ۱۲/۷ | ۱۱/۸۸ | ۱۱/۷۸ | ۱۱/۳۴ | ۱۱/۹۳ |
| ارزش جبران خدمات کار (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۱۵۸۶۹ | ۲۰۶۱۶ | ۲۳۲۶۹ | ۲۷۲۰۱ | ۲۱۷۳۹ |
| اصفهان | ۱۹۹۲ | ۳۶۰۱ | ۲۸۳۶ | ۳۱۷۶ | ۲۹۰۱ |
| سهم اصفهان (درصد) | ۱۲/۶ | ۱۷/۵ | ۱۲/۲ | ۱۱/۷ | ۱۳/۵ |
| ارزش افزوده (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۵۴۴۷۹ | ۷۴۷۸۳ | ۸۷۳۷۴ | ۹۲۲۹۲ | ۷۷۲۳۲ |
| اصفهان | ۷۵۰۱ | ۹۰۱۴ | ۱۰۱۵۶ | ۱۰۵۶۸ | ۹۳۱۰ |
| سهم اصفهان (درصد) | ۱۳/۶ | ۱۲/۱۱ | ۱۱/۶۲ | ۱۱/۴۵ | ۱۲/۲ |
| ارزش تولید (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۱۶۲۱۶۷ | ۲۴۲۶۸۱ | ۲۷۳۶۹۳ | ۲۹۸۹۴۸ | ۲۴۴۳۷۳ |
| اصفهان | ۲۲۸۰۰ | ۲۷۴۱۲ | ۳۳۲۹۰ | ۳۱۶۸۷ | ۲۸۷۹۷ |
| سهم اصفهان (درصد) | ۱۴/۲ | ۱۱/۳ | ۱۲/۱۶ | ۱۰/۶ | ۱۲/۰۷ |
| ارزش سرمایه گذاری (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۵۲۶۸ | ۸۳۲۷ | ۹۳۰۷ | ۱۳۵۸۹ | ۹۱۲۳ |
| اصفهان | ۷۲۸ | ۹۳۲ | ۱۳۱۷ | ۳۵۸۷ | ۱۶۱۶ |
| سهم اصفهان (درصد) | ۱۳/۸ | ۱۱/۲ | ۱۴/۶۹ | ۲۶/۴ | ۱۶/۴۵ |

ادامه جدول (۲۳) : مقایسه برخی نماگرهای صنایع کوچک (۱۰ - ۴۹ نفر) در کشور و استان اصفهان

| شرح نماگر | ۹۰ | ۹۱ | ۹۲ | ۹۳ | متوسط |
|---|-------|-------|-------|-------|-------|
| تعداد شاغلین سرانه هر بنگاه : | | | | | |
| کشور | ۲۲/۶ | ۲۲/۹۵ | ۲۳/۰۷ | ۲۲/۶۳ | ۲۲/۸ |
| اصفهان | ۲۳/۵ | ۲۳/۰۵ | ۲۳/۵ | ۲۴/۳۵ | ۲۳/۶ |
| جبران خدمات سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۱/۵ | ۲ | ۲/۳۳ | ۲/۷۸ | ۲/۱۵ |
| اصفهان | ۱/۵۵ | ۲/۹۴ | ۲/۴۶ | ۳/۰۸ | ۲/۵۱ |
| ارزش افزوده سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۵/۲ | ۷/۲۲ | ۸/۷۶ | ۹/۴۵ | ۷/۶۶ |
| اصفهان | ۵/۸۴ | ۷/۳۶ | ۸/۸۱ | ۱۰/۲۶ | ۸/۰۷ |
| ارزش تولید سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۱۵/۴۷ | ۲۳/۴۴ | ۲۷/۴۴ | ۳۰/۶ | ۲۴/۲۴ |
| اصفهان | ۱۷/۷۶ | ۲۲/۳۸ | ۲۸/۸۷ | ۳۰/۷۶ | ۲۴/۹۴ |
| ارزش سرمایه گذاری سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۰/۵ | ۰/۸۱ | ۰/۹۳ | ۱/۳۹ | ۰/۹۱ |
| اصفهان | ۰/۵۷ | ۰/۷۶ | ۱/۱۴ | ۳/۴۸ | ۱/۴۹ |
| جبران خدمات سرانه هر کارکن (میلیارد ریال): | | | | | |
| کشور | ۰/۰۶۷ | ۰/۰۸۷ | ۰/۱ | ۰/۱۲۳ | ۰/۰۹۴ |
| اصفهان | ۰/۰۶۶ | ۰/۱۳ | ۰/۱ | ۰/۱۲۷ | ۰/۱۱ |
| ارزش افزوده سرانه هر کارکن (میلیارد ریال): | | | | | |
| کشور | ۰/۲۳ | ۰/۳۲ | ۰/۳۸ | ۰/۴۱۷ | ۰/۳۴ |
| اصفهان | ۰/۲۵ | ۰/۳۲ | ۰/۳۸ | ۰/۴۲ | ۰/۳۴ |
| سرمایه گذاری سرانه هر کارکن (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۰/۰۲۲ | ۰/۰۳۵ | ۰/۰۴۱ | ۰/۰۰۶ | ۰/۰۲۶ |
| اصفهان | ۰/۰۲۴ | ۰/۰۳۳ | ۰/۰۴۹ | ۰/۱۴ | ۰/۰۶۲ |
| تولید سرانه هر کارکن (میلیارد ریال) : | | | | | |
| کشور | ۰/۶۸ | ۱/۰۲ | ۱/۲ | ۱/۳۵ | ۱/۰۶ |
| اصفهان | ۰/۷۶ | ۰/۹۷ | ۱/۲۳ | ۱/۲۶ | ۱/۰۶ |

منبع : طرح آمارگیری بنگاه های ۱۰ نفر به بالا _ مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول (۲۴) : مقایسه مصرف انرژی در بنگاه های صنعتی (۱۰ نفر کارکن به بالا) در کشور و استان اصفهان

| شرح | ۸۶ | ۸۷ | ۸۸ | ۸۹ | ۹۰ | ۹۱ | ۹۲ | ۹۳ | متوسط |
|--|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---------|---------|--------|
| تعداد کل بنگاه ها : | | | | | | | | | |
| کشور | ۱۷۵۹۳ | ۱۷۰۶۳ | ۱۶۱۲۹ | ۱۵۳۰۱ | ۱۴۹۶۲ | ۱۴۷۸۴ | ۱۴۶۹۷ | ۱۴۴۵۲ | ۱۵۶۲۳ |
| اصفهان | ۲۲۱۷ | ۱۹۹۹ | ۱۹۰۷ | ۱۸۷۶ | ۱۸۳۲ | ۱۷۹۴ | ۱۷۲۵ | ۱۵۶۱ | ۱۸۶۴ |
| ارزش افزوده - میلیارد ریال کشور | ۳۴۸۰۰۳ | ۴۰۸۳۰۰ | ۴۲۰۷۶۲ | ۴۹۲۶۳۰ | ۶۲۴۳۳۲ | ۸۴۸۲۲۳ | ۱۲۰۰۱۴۸ | ۱۳۳۲۳۶۵ | ۷۰۹۳۴۵ |
| اصفهان | ۶۳۰۵۷ | ۷۳۸۹۹ | ۵۳۲۱۸ | ۶۸۳۵۶ | ۸۸۸۱۳ | ۹۶۸۱۱ | ۱۰۵۴۲۰۴ | ۱۴۱۵۰۶ | ۸۵۳۵۸ |
| مصرف انرژی (هزار بشکه معادل نفت خام) کشور | ۱۸۲۸۵۳ | ۱۸۶۸۹۸ | ۱۹۸۲۳۷ | ۲۱۱۲۷۹ | ۲۲۴۵۷۳ | ۲۳۰۴۱۸ | ۲۴۶۷۹۵ | ۲۶۰۹۲۸ | ۲۱۷۷۴۸ |
| اصفهان | ۴۱۰۹۵ | ۴۵۰۴۰ | ۴۴۶۶۶ | ۴۹۹۹۳ | ۴۷۵۰۴ | ۵۱۸۲۹ | ۴۴۶۰۹ | ۴۶۹۲۷ | ۴۶۴۵۸ |
| ارزش افزوده سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) : | | | | | | | | | |
| کشور | ۱۹/۷۸ | ۲۳/۹۳ | ۲۶/۰۹ | ۳۲/۳ | ۴۱/۷۳ | ۵۷/۳۷ | ۸۱/۶۶ | ۹۲/۲ | ۴۶/۸۸ |
| اصفهان | ۲۸/۴۴ | ۳۶/۹۷ | ۲۷/۹ | ۳۶/۴۴ | ۴۸/۴۸ | ۵۳/۹۶ | ۸۹/۴ | ۹۰/۶۵ | ۵۱/۵۳ |
| مصرف سرانه انرژی هر بنگاه (هزار بشکه) : | | | | | | | | | |
| کشور | ۱۰/۳۹ | ۱۰/۹۴ | ۱۲/۳ | ۱۳/۸ | ۱۵ | ۱۵/۶ | ۱۶/۸ | ۱۸/۰۵ | ۱۴/۱۱ |
| اصفهان | ۱۸/۵۴ | ۲۲/۵ | ۲۳/۴ | ۲۶/۶۵ | ۲۵/۹ | ۲۸/۹ | ۲۵/۸۶ | ۳۰/۰۶ | ۲۵/۲۲ |
| بهره وری انرژی هر بنگاه (هزار ریال / بشکه) : | | | | | | | | | |
| کشور | ۱۹۰۴ | ۲۱۸۷ | ۲۱۲۱ | ۲۳۴۰ | ۲۷۸۲ | ۳۶۷۸ | ۴۸۶۱ | ۵۱۰۸ | ۳۱۲۳ |
| اصفهان | ۱۵۳۴ | ۱۶۴۳ | ۱۱۹۲ | ۱۳۶۷ | ۱۸۷۲ | ۱۸۶۷ | ۳۴۵۷ | ۳۰۱۶ | ۱۹۹۴ |

منبع : نتایج آمارگیری بهره وری انرژی - مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول (۲۵) : ماتریس اجزای گروه اصلی عوامل بیرونی تاثیرگذار بر فعالیت بنگاه ها

| | Component | | | | | | | |
|-------------------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|
| | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 |
| رکود | -0.033 | .405 | -.128 | .087 | .041 | .226 | .747 | .059 |
| یارانه ها | .273 | .739 | .023 | .258 | -.027 | .024 | -.008 | -.076 |
| تسهیلات | -.027 | -.064 | -.060 | .041 | .024 | -.018 | .179 | .881 |
| تورم | .611 | .349 | .272 | .194 | .184 | -.017 | -.011 | -.126 |
| مالیات | -.003 | .826 | .143 | .170 | .128 | .038 | .113 | .031 |
| واردات | .056 | .186 | -.054 | .142 | .880 | .186 | -.025 | -.070 |
| قاچاق | .290 | .091 | -.115 | .118 | .848 | .002 | .116 | .163 |
| تامین قیمت و ثبات | .507 | .430 | .299 | .114 | .114 | .065 | -.241 | .374 |
| تحریم | .820 | .270 | -.158 | -.055 | .141 | .099 | .016 | .026 |
| وصول مطالبات | -.119 | .521 | .373 | .170 | .101 | .363 | -.104 | .365 |
| بیمه های اجباری | .097 | .589 | .433 | -.051 | .236 | .121 | .310 | -.219 |
| قانون کار | .095 | .439 | .605 | .003 | .181 | .134 | .386 | -.075 |
| قوانین صنایع | .309 | .165 | .483 | .538 | -.015 | .246 | .291 | -.042 |
| قوانین پولی | .182 | .048 | .720 | .274 | .091 | .091 | .077 | .113 |
| سیاست ارزی | .858 | .028 | .144 | .108 | .089 | .110 | .078 | .091 |
| محیط زیست | .182 | .186 | .748 | .060 | -.211 | .152 | -.030 | -.100 |
| بی ثباتی در قوانین صنعت | .512 | .114 | .230 | -.191 | .028 | .441 | -.255 | .200 |
| قوانین گمرکی | .790 | -.061 | .218 | .064 | .251 | .142 | -.058 | -.200 |
| قوانین صادراتی | .641 | -.126 | .183 | .311 | .072 | .225 | .274 | -.032 |
| ترجیح مصرف کنندگان | .312 | .010 | .283 | .209 | .655 | .086 | .183 | -.017 |
| تعدد تولید کننده | .029 | -.106 | .285 | .090 | .121 | -.056 | .748 | .165 |
| فقدان فن آوری | .141 | .283 | .099 | .782 | .214 | -.072 | .072 | .188 |
| تحولات تکنولوژی | -.024 | .134 | .182 | .821 | .172 | .286 | -.006 | -.066 |
| شبکه های توزیع | .295 | .309 | -.008 | .518 | .220 | .339 | .303 | .031 |
| قیمت گذاری | .379 | .444 | .248 | .329 | .259 | .365 | .043 | .050 |
| ریسک سرمایه گذاری | .154 | .140 | .147 | .240 | .093 | .727 | .380 | .122 |
| فقدان راهبرد توسعه | .279 | .033 | .157 | .164 | .143 | .767 | -.019 | -.149 |

هشت گروه اصلی عوامل بیرونی :

- ۱_ محدودیت های صادراتی و تورم
- ۲_ مالیات و بیمه های اجباری و یارانه ها
- ۳_ قوانین کار ، پولی و بانکی
- ۴_ تکنولوژی
- ۵_ واردات و قاچاق و ترجیحات مصرف کننده
- ۶_ فقدان راهبرد توسعه و ریسک سرمایه گذاری
- ۷_ تعدد تولید کننده و دوران رکود
- ۸_ تسهیلات بانکی

جدول (۲۶) : اطلاعات آماری مربوط به عوامل داخلی

| | | مدیریت | بازاریابی | مالی | IT | تولید | تحقیق و توسعه | منابع انسانی |
|---|---------|--------|-----------|------|------|-------|---------------|--------------|
| N | Valid | 99 | 98 | 99 | 96 | 99 | 92 | 99 |
| | Missing | 7 | 8 | 7 | 10 | 7 | 14 | 7 |
| | Mean | 3.64 | 3.74 | 3.00 | 3.32 | 3.71 | 3.44 | 3.38 |
| | Median | 3.67 | 3.83 | 3.00 | 3.33 | 3.80 | 3.50 | 3.43 |
| | Mode | 4 | 4 | 2 | 4 | 4 | 4 | 3 |
| | Range | 3 | 3 | 4 | 4 | 3 | 4 | 4 |
| | Minimum | 2 | 2 | 1 | 1 | 2 | 2 | 1 |
| | Maximum | 5 | 5 | 5 | 5 | 5 | 5 | 5 |
| | % | 73% | 75% | 60% | 66% | 74% | 69% | 68% |



نمودار ۵ : نمودار رادار عوامل داخلی

جدول (۲۷): نمره کلی عوامل داخلی و خارجی

| | | عوامل داخلی | عوامل خارجی |
|---|---------|-------------|-------------|
| N | Valid | 99 | 103 |
| | Missing | 7 | 3 |
| | Mean | 3.48 | 3.79 |
| | Median | 3.54 | 3.81 |
| | Mode | 4 | 4 |
| | Range | 3 | 3 |
| | Minimum | 2 | 2 |
| | Maximum | 5 | 5 |

آزمون های آماری

فرضیه اول:

آیا بین شهرک های صنعتی تفاوتی از بابت میزان استفاده از ظرفیت وجود دارد یا خیر؟

فرض H_0 : تفاوت وجود ندارد

فرض H_1 : تفاوت وجود دارد

جدول (۲۸): ANOVA I

| | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|----|-------------|------|------|
| Between Groups | 1427.558 | 5 | 285.512 | .595 | .704 |
| Within Groups | 42213.048 | 88 | 479.694 | | |
| Total | 43640.606 | 93 | | | |

تفاوت معنا داری از بابت استفاده از ظرفیت موجود بین شهرک های مورد مطالعه وجود ندارد.

فرضیه دوم:

آیا بین شهرک های صنعتی تفاوتی از بابت امتیاز عوامل داخلی وجود دارد یا خیر؟

فرض H_0 : تفاوت وجود ندارد

فرض H_1 : تفاوت وجود دارد

جدول (۲۹) : ANOVA II

| | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|----|-------------|------|------|
| Between Groups | 37387.543 | 83 | 450.452 | .621 | .846 |
| Within Groups | 4354.857 | 6 | 725.810 | | |
| Total | 41742.400 | 89 | | | |

تفاوت معنا داری بین نمره کلی عوامل داخلی بین شهرک های مورد مطالعه وجود ندارد.

فرضیه سوم:

آیا بین شهرک های صنعتی تفاوتی از بابت امتیاز عوامل خارجی وجود دارد یا خیر؟

فرض H_0 : تفاوت وجود ندارد

فرض H_1 : تفاوت وجود دارد

جدول (۳۰) : ANOVA III

ظرفیت استفاده شده

| | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|----|-------------|------|------|
| Between Groups | 34878.504 | 74 | 471.331 | .956 | .579 |
| Within Groups | 7891.167 | 16 | 493.198 | | |
| Total | 42769.670 | 90 | | | |

تفاوت معنا داری بین نمره کلی عوامل خارجی بین شهرک های مورد مطالعه وجود ندارد.

محتوای مصاحبه مستقیم و مکالمات تلفنی با واحدهای غیر فعال و تعطیل شده :

بر اساس مصاحبه های صورت گرفته با تنی چند از کارفرمایان و هم چنین تنظیم پرسشنامه از طریق مکالمات تلفنی با ۳۵ بنگاه غیر فعال نتایج زیر حاصل گردیده است:

- به طور متوسط هر بنگاه تعطیل شده و غیر فعال در آخرین سال فعالیت خود دارای ۴۲ نفر پرسنل بوده است.

- هر بنگاه به طور متوسط ۵/۲ سال غیر فعال می باشد.

- حدود ۸۸ درصد بنگاه های موردنظر به خارج صادراتی نداشته و حدود ۱۲ درصد صادرات داشته اند.

- حدود ۴۰ درصد بنگاه های موردنظر به موسسات و بانک ها بدهی دارند.

- حدود ۴۳ درصد بنگاه های مورد نظر به طور متوسط ۳۰ درصد به مواد اولیه خارجی وابستگی دارند.

- حدود ۱۷/۶ درصد بنگاه ها به طور متوسط ۳۰ درصد به ماشین آلات خارجی و وارداتی وابسته هستند و حدود ۹ درصد بنگاه ها به طور متوسط ۳۰ درصد به دانش فنی خارجی وابستگی دارند.

- حدود ۴۱ درصد بنگاه های مورد نظر معتقدند که تحریم های اقتصادی بر فعالیت های تولیدی آن ها اثر منفی داشته است.

جدول (۳۱) : عمده ترین مشکلات و موانع فعالیت های تولیدی بنگاه های تعطیل شده :

| اولویت بر اساس فراوانی نسبی | فراوانی نسبی | فراوانی نسبی (درصد) | فراوانی | علل و موانع و مشکلات |
|-----------------------------|--------------|---------------------|---------|---|
| ۵ | ۸/۹ | ۸/۹ | ۱۴ | تحریم های اقتصادی و محدودیت های انتقال پول |
| ۶ | ۱۸/۴ | ۹/۵ | ۱۵ | رکود اقتصادی |
| ۲ | ۳۱/۱ | ۱۲/۷ | ۲۰ | واردات بی رویه و فقدان رقابت محصولات و بالا بودن بهای تمام شده |
| ۵ | ۴۱/۲ | ۱۰/۱ | ۱۶ | عدم کفایت سرمایه در گردش و نقدینگی و طولانی شدن پرداخت مطالبات |
| ۴ | ۵۲ | ۱۰/۸ | ۱۷ | فشار مالیاتی و قوانین مالیاتی |
| ۱ | ۶۵/۳ | ۱۳/۳ | ۲۱ | بهره بالای تسهیلات و قوانین سیستم بانکی و پولی و هزینه بالای مالی |
| ۳ | ۷۷/۳ | ۱۲ | ۱۹ | بیمه و قوانین کار و تامین اجتماعی و مشکلات کارگری و کارفرمایی |
| ۶ | ۸۶/۸ | ۹/۵ | ۱۵ | فقدان ثبات بازار و عدم پیش بینی شرایط بازار و عدم برنامه ریزی بلند مدت و بحران جهانی و نوسانات شدید قیمت مواد اولیه |
| ۷ | ۹۳/۱ | ۶/۳ | ۱۰ | بوروکراسی اداری و مقررات دست و پاگیر و پر حجم بودن اقتصاد دولتی و انحصارگری |
| ۹ | ۹۶/۲ | ۳/۲ | ۵ | رقابت ناسالم و فعالیت های قاچاق |
| ۸ | ۱۰۰ | ۳/۷ | ۶ | سایر موارد : مانند ضعف حسابداری مالی، عدم آشنایی به قراردادهای و عدم اطلاعات کافی پیرامون قوانین و شرایط سرمایه گذاری و رفتار نامناسب مسئولین ذیربط دولتی مانند مامور مالیات و بیمه و ادارات دیگر |
| ---- | ---- | ۱۰۰ | ۱۵۸ | جمع کل |

گزارش محتوای مصاحبه حضوری با گروهی از کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال مستقر در شهرک های صنعتی (شهرک های مورچه خورت ، منتظریه واشترجان وجی) :

- ۱_ بسیاری از قوانین مالیاتی، بیمه، بانکی و پولی به طور شفاف و به موقع اطلاع رسانی نمی گردد.
- ۲_ برخی از مسئولین و نمایندگان نهادهای مالیاتی، بیمه، آب و برق و گاز رفتار بسیار ناشایسته، مغرورانه و با کم ترین درک از شرایط تولید و صنعت و با تفکر ماموریم و معذوریم دارند.
- ۳_ بهترین کمک دولت به ما آن است که چوب لاچرخ ما نگذارد و بگذارد ما کار کنیم.
- ۴_ اگر تاکنون بنگاه خود را نبسته ایم، به خاطر آن است که ۲۰ سال، ۳۰ سال جوانی خود را تباه کرده ایم و اکنون با شرایط سنی بالا نه می توانیم واسطه گری کنیم و نه شاگردی برای دیگران.
- ۵_ بسیاری از مطالبات ما از سوی نهادهای دولتی به موقع پرداخت نمی شود. با تاخیر زمانی زیاد به گونه ای که ارزش سرمایه ما در طی زمان بشدت کاهش می یابد و بر نقدینگی و وضعیت مالی ما اثر منفی خواهد داشت.
- ۶_ واردات بی رویه و منفعت جویانه و رانت جویانه موجب کاهش تقاضای کالاهای ما می شود.
- ۷_ چنان چه حمایت های لازم صورت گیرد، ما می توانیم با چند برابر کردن تولید موجود، تا دو سه برابر به ایجاد اشتغال جدید و مستقیم کمک کنیم.
- ۸_ حدود ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده می دهیم، ۲۵ درصد مالیات بر سود عملکرد و ۲۴ درصد هم بیمه کارفرمایی. دیگر چه توان مالی باقی می ماند که بخواهیم به توسعه فکر کنیم و یا تحولات تکنولوژیکی را دنبال کنیم.
- ۹_ در گرفتن مالیات عدالت رعایت نمی گردد.
- ۱۰_ اگر بخواهیم طرح توسعه بدهیم و ساختمان جدیدی بسازیم، بایستی بیمه آن را نیز بپردازیم که فشار مضاعف می شود.
- ۱۱_ دیدگاه برخی از مسئولین آن است که ما خون مردم را می مکیم.
- ۱۲_ صنعت و تولید و صنعتگر و تولیدکننده دارای جایگاه و منزلت با احترام و ارز شمند خود نیست و در این مملکت کار و کسب درآمد از طریق تلاش واقعی بی معناست و به جایی نمی رسد.

۱۳_ قیمت مواد اولیه در بازار بسیار بی ثبات می باشد و با روندی افزایشی مداوم که بهای تمام شده محصولات ما را بسیار تحت الشعاع قرار می دهد و قدرت رقابتی ما در بازار کاهش می یابد.

۱۴_ قوانین کار و تامین اجتماعی به گونه ای است که برخی از کارگران و نیروی کار سوء استفاده می کنند و اختلافات را دامن می زنند.

۱۵_ بسیاری از فعالیت ها ، وابسته به بخش ساختمان و مسکن هستند. اگر این بخش به رونق درآید، فعالیت ما نیز رونق می گیرد. در حال حاضر که رکود است، بستر صادراتی نیز فراهم نیست و در نتیجه تقاضا برای محصولات ما کاهش یافته و انبارها نیز دارای موجودی های بسیاری می باشد.

۱۶_ دیدگاه بلند مدت و برنامه ریزی بلند مدت نداریم و به لحاظ شرایط بسیار متغیر این کار امکان پذیر نمی باشد.

۱۷_ عمده ی واحد های تولیدی کوچک و متوسط فاقد حوزه های تحقیق و توسعه و بازاریابی هستند. و مدیریت سنتی و تجربی حاکم است.

۱۸_ بسیاری از بنگاه های کوچک و متوسط فاقد سیستم های تجزیه و تحلیل عملکرد خود به طور جامع می باشند.

گزارش محتوای مصاحبه با تنی چند از کارشناسان امور بانکی و مالیاتی پیرامون بنگاه های تولیدی و صنعتی:

۱_ طرح های توجیهی مالی و اقتصادی به صورت جامع تهیه نمی شود و بسیاری از آن ها صرفا با هدف گرفتن وام و اعتبارات نوشته می شود.

۲_ نظارت بر چگونگی خرج اعتبارات طرح های سرمایه گذاری ضعیف است و ممکن است بخشی از تسهیلات عرضه شده به سایر بخش ها مانند بخش ساختمان و مسکن و فعالیت و واسطه گری هدایت شود.

۳_ قوانین سخت گیرانه و متعدد به ویژه در امور مالیاتی از پیچیدگی های نهاد مالیاتی کشور می باشد.

۴_ گرایش به فرار مالیاتی شدید می باشد. و اعتماد بین نهاد مالیاتی و نهاد صنعتی کشور ضعیف می باشد.

۵_ بسیاری از کارفرمایان از قوانین و آئین نامه های مالیاتی اطلاعات کافی ندارند و مشاورینی که برای تهیه گزارش های مالی به کار می گیرند ، بعضا خود موجب پیچیده شدن پرونده مالیاتی آن ها می گردد.

یافته های پرسشنامه نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال:

یافته های سوالات کلی:

- متوسط سابقه کار کارفرمایان در کل صنعت ۳۸ سال
- متوسط سابقه کار کارفرمایان در صنعت موجود ۲۲ سال
- متوسط ظرفیت تولیدی فعال موجود بنگاه ها ۳۸ درصد
- متوسط تعداد پرسنل موجود در بنگاه ها ۳۹ نفر که در گذشته به طور متوسط ۸۰ نفر بوده است و به طور متوسط حدود ۵۰٪ نیروی کار خود را تعطیل کرده اند.
- حدود ۸۰٪ بنگاه های تولیدی مورد مطالعه صادرات ندارند.
- حدود ۳۷٪ بنگاه ها وابستگی به تکنولوژی خارجی و ۲۲٪ وابستگی به واردات مواد اولیه دارند.
- حدود ۴۵٪ واحدهای صنعتی با شرکت ها و نهادهای دولتی همکاری دارند ولی ۸۰٪ آن ها در وصول مطالبات خود دچار مشکل هستند.
- عمده ی بنگاه های تولیدی مورد مطالعه فاقد واحد بازاریابی و تحقیق و توسعه و آموزش می باشند.
- حدود ۳۵٪ از بنگاه ها از مشاورین استفاده نمی کنند.

یافته های سوالات عوامل بیرونی:

- بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل عوامل اصلی ، ۸ گروه موانع بیرونی تاثیرگذار در کاهش فعالیت بنگاه ها عبارتند از:
- محدودیت ها و موانع صادراتی
- مالیات، بیمه های اجتماعی و یارانه
- قوانین و مقررات دست و پاگیر
- تکنولوژی و فن آوری بیرونی و تحولات آن در جهان
- واردات بی رویه کالا و قاچاق کالا و ترجیحات مصرف کننده

_ فقدان راهبرد توسعه صنعتی و ریسک سرمایه گذاری

_ تعدد تولیدکننده، رکود اقتصادی

_ تسهیلات پولی و بانکی جهت تامین سرمایه

با توجه به طیف لیکرت امتیاز کلی عوامل بیرونی تاثیرگذار بر فعالیت موجود بنگاه ها حدود ۳/۷۸ از ۵ یعنی بیش از ۷۵٪ می باشد.

فراوانی نسبی عوامل تاثیرگذار بیرونی عبارتند از (به ترتیب اولویت) :

| | | |
|--------------------------|--|------------------------------|
| مالیات ها ۸۴٪ | ریسک سرمایه گذاری ۸۰٪ | رکود اقتصادی ۸۰٪ |
| تسهیلات بانکی ۷۹٪ | وصول مطالبات خود ۷۸٪ | فقدان راهبرد توسعه صنعتی ۷۶٪ |
| بی ثباتی در قوانین ۷۰٪ | تورم ۶۹٪ | قوانین پولی و بانکی ۶۷٪ |
| نوسانات قیمت ها ۶۶٪ | تحریم ها ۶۶٪ | بیمه های اجباری ۶۱٪ |
| حذف یارانه های انرژی ۵۸٪ | قوانین گمرکی ۵۳٪ | واردات بی رویه ۵۲٪ |
| قاچاق ۵۰٪ | قانون کار ۵۰٪ | تعدد تولیدکننده ۴۶٪ |
| شبکه توزیع نامناسب ۳۹٪ | ضعف تحولات تکنولوژیکی ۳۹٪ | قوانین وزارت صنایع ۳۸٪ |
| قوانین صادراتی ۳۰٪ | ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف محصولات خارجی مشابه ۳۳٪ | |

۷ گروه عوامل نا مناسب داخلی تاثیرگذار به ترتیب اولویت ، عبارتند از:

۱_ وضعیت مالی و نقدینگی

۲_ وضعیت IT

۳_ منابع انسانی

۴_ وضعیت تحقیق و توسعه

۵_ تولید و عملیات تولیدی

۶_ مدیریت

۷_ بازاریابی

از دیدگاه های کارفرمایان مورد مطالعه عوامل تاثیرگذار داخلی بر وضعیت فعالیت موجودشان حدود ۲۵٪ سهم و امتیاز دارد.

جدول (۳۲) : مقدار فراوانی عوامل داخلی ضعیف و نامناسب تاثیرگذار بر فعالیت های موجود عبارتند از :

| نام حوزه | شرح مولفه ها | فراوانی بنگاه ها (%) |
|------------------------|-------------------------------------|----------------------|
| مدیریت | وضعیت برنامه ریزی و سازماندهی | ۲۸/۲ |
| | تفویض اختیار به پائین دستی | ۲۶/۵ |
| | تدوین و شفافیت شرح شغل کارکنان | ۲۹/۲ |
| | روحیه پرکاری و انگیزه کاری کارکنان | ۴۷/۱ |
| | مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها | ۵۰ |
| | ریسک پذیری و مدیریت ریسک | ۳۳/۱ |
| بازاریابی | شناسایی بازار محصولات | ۲۴/۵ |
| | سیستم توزیع محصولات در بازار | ۳۶/۸ |
| | حوزه فروش و بازاریابی | ۴۳/۷ |
| | کیفیت محصولات نسبت به رقبا | ۸/۵ |
| | قیمت محصولات نسبت به رقبا | ۱۴/۱ |
| | استفاده از مشاورین بازاریابی | ۵۱/۹ |
| مالی | سیستم تجزیه و تحلیل مالی و بهره وری | ۴۳/۴ |
| | وضعیت تامین سرمایه | ۶۱/۳ |
| | نقدینگی و وضعیت مالی شرکت | ۶۸/۹ |
| | وضعیت سرمایه در گردش | ۷۱/۷ |
| تکنولوژی اطلاعات IT | روزآمدی آمار و اطلاعات | ۴۵/۳ |
| | وجود امکانات حوزه تکنولوژی اطلاعات | ۵۱ |
| | سیستم اطلاعات مدیریت | ۴۵/۳ |

| | | |
|------|---|---------------|
| ۳۱/۱ | دسترسی به مواد اولیه | تولید |
| ۳۵/۸ | دسترسی به قطعات یدکی | |
| ۱۷/۹ | کنترل کیفیت | |
| ۲۵/۵ | سطح تکنولوژی موجود شرکت | |
| ۳۴ | روزآمدی فرآیندهای تولیدی | |
| ۴۹/۱ | تشکیلات حوزه تحقیق و توسعه | تحقیق و توسعه |
| ۴۹/۱ | هماهنگی حوزه تحقیق و توسعه و سایر حوزه ها | |
| ۳۶/۸ | نوآوری و خلاقیت | |
| ۳۴ | روند تنوع تولید در طی زمان | |
| ۵۱ | وضعیت دوره های آموزشی کارکنان | منابع انسانی |
| ۶۱/۳ | وجود امکانات آموزشی | |
| ۳۴/۹ | سطح مهارت های کارکنان | |
| ۴۲/۵ | سطح مسئولیت پذیری کارکنان | |
| ۴۷/۱ | امکانات رفاهی کارکنان | |
| ۵۲/۸ | روحیه قدردانی و سپاسگذاری کارکنان | |
| ۵۱/۹ | تغییر و تحول پذیری کارکنان | |

نتیجه گیری:

الف) مهم ترین عوامل و موانع و علل بیرونی موثر در عملکرد فعالیت های بنگاه های تولیدی و صنعتی عبارتند از:

۱- نامناسب بودن مقررات و قوانین دولتی و طولانی بودن فرایندهای اجرایی و بی ثباتی و ناکارآمدی آن ها

نشانه های منفی:

- نامناسب بودن فضای کسب و کار
- کثرت و فراوانی قوانین و مقررات
- حجم بالای بوروکراسی و رشد بی رویه بخش عمومی و توقف اقتصاد دولتی و انحصارگری
- بی ثباتی در بسیاری از قوانین و عدم نگرش جامع در وضع قوانین
- مراجع متعدد و قانونگذاری
- عدم تعهد لازم در اجرای صحیح قوانین از سوی برخی نهادهای دولتی و بخش عمومی
- عدم پاسخ گویی مناسب و شفاف و مسئولانه نسبت به ارباب رجوع و وجود فساد و رشوه و رانت جویی و منفعت طلبی

۲- نامناسب بودن قوانین مالیاتی و فرهنگ مالیاتی :

نشانه های منفی :

- بی عدالتی در اخذ مالیات و فشار مالیاتی بر بخش تولید و صنعت
- عدم اعتماد لازم بین مودیان مالیاتی بخش تولید و صنعت با نهاد مالیاتی
- عدم اطلاع کافی مودیان از قوانین مالیاتی و اطلاع رسانی ضعیف نهاد مالیاتی در این زمینه
- بالا بودن نرخ کلی مالیات به گونه ای که این نرخ حدود ۴۲٪ می باشد. (بر اساس ارزیابی های بانک جهانی)
- بالا بودن رتبه کلی مالیات (حدود ۱۱۵) در بین کشورهای جهان
- تعداد زیاد دفعات پرداخت مالیات

- مدت زمان زیاد برای پرداخت مالیات

- ضعف سیاست های مالیاتی در حمایت کافی و انگیزشی از بخش تولید و صنعت و برخوردهای سلیقه ای

- فشار مالیاتی از طریق جریمه های مالیاتی تعویق پرداخت مالیات

۳- مسائل پولی، بانکی، ارزی و نقدینگی و مالی

نشانه های منفی:

- بالا بودن نرخ سود وام های بانکی که می تواند توجیه اقتصادی و NPV بسیاری از سرمایه گذاری های تولیدی و صنعتی را از بین ببرد. هر چه نرخ بهره پائین تر باشد، NPV یعنی ارزش خالص فعلی پروژه های تولیدی و صنعتی بهبود می یابد.

- عدم کفایت و توجه کافی به ارزیابی طرح های توجیه اقتصادی از سوی نهاد پولی کشور و مصادره نکردن های بیهوده

- عدم نظارت بر اعطای وام های تولیدی و صنعتی و انحراف بخشی از منابع بخش تولید و صنعت به سایر بخش ها

- عدم کفایت تسهیلات اعطایی بانک ها و روی آوری به تحصیل به سرمایه از سایر منابع با بهره های بسیار گزاف

- عدم اطلاع رسانی شفاف قوانین و مقررات پولی و بانکی از سوی نهاد پولی به سرمایه گذاران

- تفوق نگرش نهاد پولی و بانکی کشور در کسب سودآوری نسبت به ایفای نقش خود در توسعه اقتصادی و صنعتی

- موانع و مشکلات جذب سرمایه گذاری خارجی و عدم مشارکت فعالان اقتصادی در این زمینه

- کاهش مداوم ارزش پول ملی و بالا رفتن هزینه سرمایه گذاری به ازای هر واحد تولید و هر واحد به کارگیری نیروی انسانی

- ضعف سیاست های ارزی کشور در تشویق صادرات و عدم اجرای تعهدات ارزی بانکی در گشایش اعتبارات ارزی

- رکود سپرده های ملی و عدم انگیزه کافی برای سرمایه گذاری مولد

۴- قوانین کار و تامین اجتماعی و بیمه و ضعف اخلاق کار

نشانه های منفی:

- وجود اختلافات شدید و زیاد کارگری کارفرمایی
- ضعف وجود قوانین کار مناسب به نفع دو طبقه کارگر و کارفرما در توسعه بخش صنعت
- وجود رفتارهای نامناسب از سوی برخی از مسئولین بیمه با فعالین اقتصادی و صادره های بیهوده
- جریمه های بالای دیرکرد پرداخت حق بیمه ها
- سوء استفاده های احتمالی نیروی کار از قوانین کار موجود و نحوه ی رسیدگی به اختلافات در شوراهای مربوطه
- اخذ حق بیمه های گوناگون مثلا اگر ساختمان جدیدی احداث شود، بیمه می گیرند.

۵- ریسک بالای سرمایه گذاری در حوزه تولید و صنعت

نشانه های منفی:

- بی ثباتی بازار و نوسانات شدید قیمت ها به ویژه قیمت مواد اولیه
- بالا بودن هزینه های تولید و بهای تمام شده کالاها و خدمات و نهادهای تولیدی و تورم بالا
- عدم شناسایی بازارهای هدف
- بی ثباتی برنامه ها و سیاست ها و قوانین دولتی و گمرکی و بی ثباتی سیاسی منطقه و عدم تفکر آینده نگری و راهبردی
- تحریم های اقتصادی و محدودیت صادرات و واردات ماشین آلات و مواد اولیه و دانش فنی خارجی و عدم امنیت در انتقالات پولی و محدودیت در این زمینه
- عدم اطمینان به آینده و بازگشت سرمایه
- ضعف فرهنگ و رقابت سالم و ورود قارچ گونه رقبای بالقوه به بازار

- ضعف نهادهای حقوقی مناسب در قوانین تجارت به ویژه در پوشش ورشکستگی احتمالی بخشی از صنعتگران

- تغییر و تحولات شدید در برنامه های دولت ها به لحاظ تغییر در سطوح مدیریت مالی

- واردات بی رویه کالاهای مشابه خارجی و به صورت قاچاق و قانونی

- ضعف و نبود استراتژی توسعه بلند مدت برای توسعه صنعتی

- ضعف مدیریت ریسک در شناسایی انواع ریسک های حوزه ی صنعت و تولید، ارزیابی و تجزیه و تحلیل ریسک

۶- رکود اقتصادی و ضعف ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف تولیدات داخلی

نشانه های منفی:

- بالا بودن قیمت کالاها و خدمات و بهای تمام شده نسبت به قدرت خرید جامعه و گرانی بسیار بالا به لحاظ روند تورم بالای سال ۹۲

- فقدان رقابت محصولات داخلی از نظر قیمت و کیفیت نسبت به کالاهای مشابه خارجی

- کاهش رشد اقتصادی و تداوم روند آن از سال های ۸۷ و منفی شدن آن در سال های ۹۰ و ۹۱ و ۹۲

- کاهش نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و تولید از سال های ۸۷ به بعد

- وجود ظرفیت های خالی کارخانجات و فقدان زمینه های جذب نیروی کار و بالا بودن تعداد بیکاران و کمبود تقاضا نسبت به عرضه

لازم به ذکر است که متوسط نرخ تورم طی ۴۰ سال گذشته در اقتصاد ایران ۲۰٪ و عدم تناسب رشد درآمد سرانه با آن می تواند در حرکت خود به تدریج موجبات کاهش تقاضای موثر را به وجود آورد

ب) مهم ترین عوامل نامناسب داخلی موثر بر عملکرد فعالیت های بنگاه های تولیدی و صنعتی عبارتند از:

۱- حوزه ی مدیریت:

- ضعف مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها

- ضعف روحیه پرکاری و انگیزش کاری

- ضعف ریسک پذیری و مدیریت ریسک

۲- حوزه ی بازاریابی:

- ضعف عدم استفاده از مشاورین بازاریابی

- حوزه فروش و بازاریابی

- سیستم توزیع محصولات در بازار

۳- حوزه ی مالی:

- وضعیت سرمایه در گردش

- نقدینگی و تامین سرمایه و وضعیت مالی

- سیستم تجزیه و تحلیل مالی و بهره وری

۴- حوزه ی تکنولوژی اطلاعات (IT):

- روزآمدی آمار و اطلاعات

- وجود امکانات حوزه تکنولوژی اطلاعات

- سیستم اطلاعات مدیریت

۵- حوزه ی تولید:

- دسترسی به قطعات یدکی و مواد اولیه

- روزآمدی فرایندهای تولیدی

- سطح تکنولوژی های موجود

۶- حوزه ی تحقیق و توسعه:

- تشکیلات و امکانات تحقیق و توسعه

- ضعف هماهنگی حوزه تحقیق و توسعه با سایر حوزه ها

- فراوری و تنوع محصولات

۷- منابع انسانی:

- آموزش و امکانات آموزشی

- روحیه قدردانی و سپاسگذاری و تغییر و تحول پذیری کارکنان

- سطح مسئولیت پذیری کارکنان

ج) عارضه های اساسی که می تواند موجبی بر تأثیرات منفی عوامل بیرونی و داخلی موثر بر توسعه صنعتی و فعالیت بنگاه های تولیدی و صنعتی و کل اقتصاد کلان باشد بر اساس تحلیل جامعه شناختی محقق نسبت به توسعه اقتصادی و صنعتی:

عارضه اول: فقدان درک عمیق و علمی جریان تاریخی توسعه و صنعتی شدن و قانونمندی های آن:

- توسعه اقتصادی و صنعتی جریانی است تاریخی، تدریجی و مبتنی بر تضادهای تاریخی و نیازها که نظام های اقتصادی متفاوتی را بوجود می آورد. و در این فرایند تاریخی شاهد رخدادهای زیر می باشیم:

۱_ نظام برده داری ← نظام نئودالیه ← نظام سرمایه داری بازرگانی ← نظام سرمایه داری صنعتی رقابتی ← نظام سرمایه داری صنعتی انحصاری ← نظام سرمایه داری با قدرت همسنگ نهادهای دولت، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری و سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی

۲_ اقتصادی روستایی و خانگی ← اقتصاد روستایی ← اقتصاد شهری ← اقتصاد ملی ← اقتصاد منطقه ای ← اقتصاد جهانی

۳_ دوران تمدن کشاورزی ← دوران تمدن صنعتی شدن ← دوران تمدن خدماتی ← دوران تمدن اطلاعاتی و ارتباطاتی

۴_ گذر تاریخی جامعه سنتی و شیوه های تولیدی کاربر ← جامعه مدرن و شیوه های نوین تولید سرمایه بر و تخصص طلب ← جامعه مبتنی بر دانش

۵_ توسعه بر اساس منابع فیزیکی و طبیعی ← توسعه مبتنی بر سرمایه انسانی و اجتماعی

عارضه دوم: عدم شکل‌گیری روابط پویای متقابل در ساختار اقتصادی بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات و در نتیجه شکل‌گیری ساختار نامناسب و ناسالم اقتصادی:

در گذر تاریخی توسعه و گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن بر اساس قانون تحول، جابه‌جایی نیروی انسانی و جمعیت فعال از بخش کشاورزی به بخش صنعت و سپس خدمات صورت می‌گیرد. و این جابه‌جایی بر اساس رابطه ژان فوراسیته توجیه پذیر می‌باشد.

$$E = \frac{C}{P} , \quad \frac{\text{میزان مصرف فرآورده های آن بخش}}{\text{بهره وری در آن بخش}} = \text{ایجاد اشتغال در هر بخش اقتصادی}$$

به عبارتی ایجاد اشتغال در هر بخش اقتصادی رابطه مستقیم با میزان مصرف فرآورده های آن بخش و رابطه معکوس با بهره وری آن بخش دارد.

جابه‌جایی نیروی کار در بخش‌های اقتصادی در مسیر تکاملی و تحول خود تا جایی ادامه می‌یابد که:

اولاً سهم بخش کشاورزی بین ۵ تا ۱۰ درصد، سهم بخش صنعت بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و سهم بخش خدمات ۵۰ تا ۶۰ درصد می‌شود.

ثانیاً درآمد سرانه نیروی کار در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات تا حد زیادی نزدیک به هم و حتی برابر شود.

ثالثاً تفکر مدیریت بهره‌وری در بخش کشاورزی و صنعت بسیار نهادینه گردد و تفکر بهره‌وری در بخش خدمات نیز با شدت کم‌تری نسبت به بخش صنعت و کشاورزی بوجود بیاید.

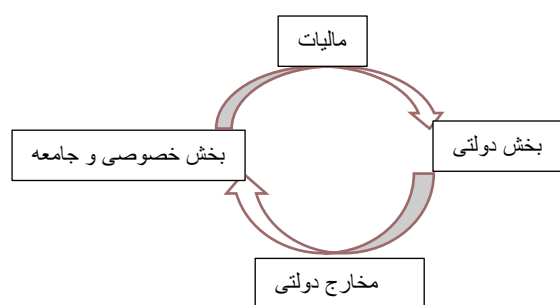
رابعاً سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی در ارزش افزوده ملی متناسب سهم اشتغال هر بخش در کل اشتغال ملی می‌باشد.

در حال حاضر در اقتصاد ایران سهم بخش کشاورزی در اشتغال حدود ۲۳٪، سهم بخش صنعت حدود ۲۷٪ و سهم بخش خدمات حدود ۵۰٪ می‌باشد. بنابراین سهم بخش صنعت در ارزش افزوده بایستی حدود ۲۵ الی ۳۰٪ باشد، در حالی که طی سال‌های گذشته این مقدار حدود ۱۵٪ به طور سالیانه می‌باشد و معنایش آن است که جایگاه بهره‌وری در این بخش در حد شایسته‌ای نمی‌باشد.

عارضه سوم: فقدان نگرش سیستمی در سطح کلان و خرد:

۱- فقدان نگرش سیستمی در جایگاه دولت و بخش عمومی و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد:

در اقتصاد ایران نسبت $\frac{G}{GDP}$ برای دولت مرکزی حدود ۲۸٪ و نسبت $\frac{T}{GDP}$ حدود ۷ الی ۸ درصد می باشد. در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی این دو نسبت بسیار نزدیک هستند. یعنی اگر متوسط $\frac{G}{GDP}$ در کشورهای صنعتی حدود ۴۵٪ می باشد، نسبت $\frac{T}{GDP}$ نیز در همین حد کمی کم تر است. معنایش آن است که درآمد دولت در کشورهای پیشرفته و صنعتی مترادف ۹۰-۹۵٪ مالیات ها می باشد. در حالی که در اقتصاد ایران این نزدیکی ملاحظه نمی شود. با توجه به اینکه نسبت $\frac{\text{مخارج بخش عمومی}}{GDP}$ حدود ۷۰٪ می باشد، نشان از آن است که جایگاه بخش دولتی و بخش خصوصی جایگاه تکاملی نمی باشد. درآمدهای نفت و گاز طی ۱۰۰ سال گذشته عاملی برای عدم شکل گیری روابط پویای جایگاه دولت و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد کشور می باشد، و شاهد زنجیره پویای زیر نمی باشیم:



نمودار ۶: رابطه بین مالیات و مخارج دولتی و جایگاه دولت

بنابراین بر حجم بودن بدنه دولت و بخش عمومی در اقتصاد نه به شکل تکاملی بلکه به شکل تحکیم تصدی گری و دخالت های زیاد و حجم مقررات و قوانین دست و پاگیر زیاد موجبی است که درجه آزادی اقتصادی در سطح بسیار نا معکوس می باشد. و در نتیجه جایگاه دولت و جایگاه بخش خصوصی به صورت یک سیستم کلی در خدمت هم دیگر در نمی آیند و رقابت به معنای واقعی شکل نمی گیرد

لازم به ذکر است که شاخص اختلال دولت در اقتصاد از ۵ برابر ۴/۵ می باشد که معنایش آن است که سیاست ها و مقررات دولتی خود عامل بزرگی در عدم کارایی تخصیص منابع می باشد. از سوی دیگر شاخص آزادی اقتصادی طی سال های گذشته حدود ۴/۲ تا ۴/۸ بوده است که نشان از تسلط بسیار زیاد دولت بر اقتصاد و کشور می باشد یعنی آزادی اقتصاد محدود است.

نتیجه ی دیگر این فقدان ، آن است که به جای آن که دولت و نهادهای دولتی بستر ساز توسعه فعالیت های اقتصادی و به ویژه فعالان اقتصادی خصوصی گردد و فعالان اقتصادی در رونق و شکوفایی قرار گیرند و

با عملکردهای بالاتر مالیات بیشتر بپردازند، با فضای نامناسب کسب و کار ناشی از اختلالات دولت با عملکرد پائین روبرو می شوند.

۲- فقدان نگرش سیستمی در درون بنگاه ها:

ضعف و نبود نگرش سیستمی در درون بنگاه ها موجب می شود که حوزه های گوناگون تولید، مالی، اداری، تحقیق و توسعه، فنی و مهندسی، حوزه بازرگانی و حوزه مدیریت هماهنگی لازم را نداشته باشند و در نتیجه عملکرد کارآیی و اثربخشی در سطح پائین تری قرار گیرد و از ظرفیت های موجود استفاده بهینه به عمل نیاید. ونمودار راداری گویای این موضوع می باشد

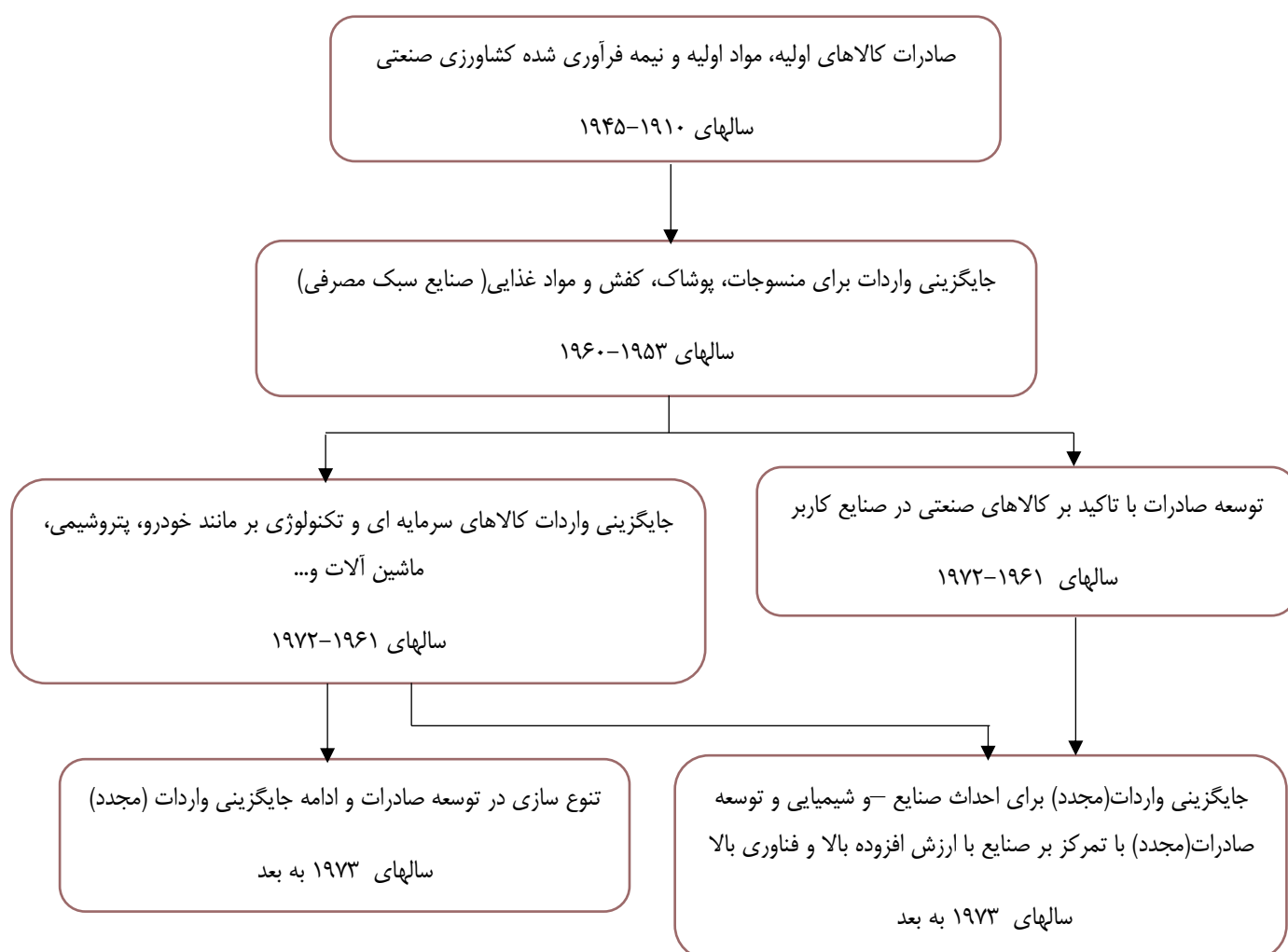
۳- فقدان نگرش سیستمی در روابط بین عوامل فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظام اقتصادی کشور:

هر جامعه ای و هر سیستمی متشکل از فرهنگی و سیاسی و اقتصادی می باشد. به عبارتی دیگر در هر نظام اقتصادی سه گروه فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد که بایستی در راستای اهداف توسعه و اهداف اقتصاد کلان یعنی توزیع عادلانه تر درآمدها، ثبات اقتصادی و استفاده از ظرفیت های فیزیکی و انسانی و مالی جهت تحقق اشتغال کامل و رشد و توسعه مستمر اقتصادی، به طور متناسب و هماهنگ در خدمت هم دیگر باشند و متجانس باشند. به عنوان مثال چنان چه نظام اقتصادی یک کشور سرمایه داری می باشد. بایستی فرهنگ سرمایه داری در سه گروه عوامل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی نمود پیدا کند. این عمل باعث می شود که درون بنگاه های تولیدی دولتی و خصوصی همه افراد شاغل در توسعه سرمایه ها بکوشند. بدیهی است که اختلافات کارگری- کارفرمایی نیز به حداقل خواهد رسید. فرهنگ پرکاری و فرهنگ رقابت نیز رشد یافته و شکوفا می گردد .

عارضه چهارم : فقدان راهبرد توسعه اقتصادی و صنعتی بلند مدت، پیوسته ، جامع و انعطاف پذیر:

در چارچوب استراتژی توسعه صنعتی بلند مدت، اولاً مسیر توسعه صنایع برای بلند مدت مشخص می گردد. ثانياً سیاست های دولت و نهادهای مالیاتی و پولی و ارزی و سایر نهادها و در راستای آن به حرکت در می آیند. مثلاً اگر استراتژی جایگزینی واردات می باشد، بایستی جایگاه دولت و سیاست های گمرکی، پولی و مالی در راستای آن به سیاست گذاری بپردازند. تجربه جهانی در کشورهای در حال توسعه و در حوزه جنوب شرقی آسیا گویای آن است که کشورهایی مانند کره جنوبی بعد از دهه ۱۹۵۰ بیمه استراتژی های توسعه صنعتی مناسبی را به اجرا آورده اند. و کره جنوبی در دهه ۱۹۶۰ استراتژی توسعه صادرات فرآورده های

صنعتی برنامه ریزی شده را به اجرا درآورده. استراتژی که موجب شد صنایع کره جنوبی در رقابت با صنایع دیگر کشور بتوانند حرکت کنند و دولت ما نیز در این راستا سیاست های حمایتی خود را به اجرا درآورده اند. دسترسی به سرمایه های خارجی، دسترسی به بازارهای جهانی، سهولت جابه جایی شیوه های تولیدی از کشورهای صنعتی به کشورهایی مانند کره جنوبی با دستمزدهای پایین تر، تعیین مزیت های نسبی از طریق ساز و کار بازار، منافع ناشی از تولیدات با مقیاس بزرگ، سیاست های آزادسازی تجارتي و کاهش تعرفه های وارداتی تا سطح ۱۵٪، یارانه های صادراتی، بخشودگی مالیاتی، معافیت تعرفه ای برای واردات مورد نیاز صنایع صادراتی، کاهش هزینه های انرژی، کاهش نرخ بهره برای صادرکنندگان، ارائه وام های تولیدی و سرمایه گذاری، ارائه اعتبارات صادراتی، گسترش خدمات بیمه ای و اعتبارات برای بازاریابی و تحقیق و توسعه از زمره سیاست گذاری های در راستای استراتژی توسعه صادرات در کره جنوبی می باشد.



نمودار ۷: مسیر تاریخی تحولات راهبرد توسعه صنعتی کره جنوبی

در ایران در سال های قبل از انقلاب و بعد از انقلاب شاهد برنامه های توسعه زیر می باشیم:

- برنامه عمرانی هفت ساله اول سال های ۱۳۲۷-۱۳۳۴

- برنامه عمرانی هفت ساله دوم سال های ۱۳۳۴-۱۳۴۱

- برنامه عمرانی سوم سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۶

- برنامه چهارم عمرانی سال های ۱۳۴۷-۱۳۵۱

- برنامه پنجم عمرانی سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۶

- برنامه ششم عمرانی سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۱ (وقوع انقلاب)

- دوران سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۸ بدون برنامه

- برنامه اول بعد از انقلاب سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲

- برنامه دوم بعد از انقلاب سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۸

- برنامه سوم بعد از انقلاب سال های ۱۳۷۹-۱۳۸۳

- برنامه چهارم بعد از انقلاب سال های ۱۳۸۴-۱۳۸۸

- برنامه پنجم توسعه سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۴

به دلایل زیر طی سال های موردنظر راهبرد صنعتی شدن و توسعه صنعتی به صورت پیوسته و متناسب مقتضیات زمان و به طور پویا شکل نگرفته است:

- ضعف نگرش سیستمی و جامع به جریان توسعه صنعتی در راهبردی بلندمدت

- عدم شکل گیری تفکر صنعتی شدن در فرهنگ عمومی جامعه

- تداوم سیاست های جایگزینی واردات بدون توجه به هدفمندی رقابتی کردن فعالیت های دولتی و خصوصی و نگرش توسعه صادرات

- وابستگی اقتصاد کشور و بودجه دولت به نفت و فقدان شکل گیری جایگاه شایسته دولت و بخش خصوصی

- ضعف تفکر رقابت داخلی و همچنین نهاد حمایتی رقابت به منظور ایجاد فضای رقابتی

- ضعف شکل گیری زنجیره ارزش بین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ و چگونگی توسعه بلند مدت آن ها

- تفوق نگرش درون گرایی به برون گرایی

- حاکمیت تفکر کوتاه مدت به تفکر بلند مدت و آینده نگر توسعه صنعتی

- سلیقه ای عمل کردن دولت ها بعد از انقلاب

- بحران انقلاب، جنگ، تحریم ها و ...

عارضه پنجم: ضعف ساختار صنعت کشور و عملکرد پائین آن ها

- صنایع کوچک و متوسط در مجموع حدود ۸۵ تا ۹۰٪ تعداد کل کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا را تشکیل می دهد، در حالی که سهم آنها در ارزش افزوده حدود ۱۴/۵٪ می باشد. سهم ارزش افزوده کل صنعت در تولید ناخالص داخلی طی دهه ۸۰ تاکنون حدود ۱۵ درصد می باشد. در حالی که سهم آن در اشتغال حدود ۲۵٪ می باشد. یعنی بخش صنعت نتوانسته نسبت به سهم خود در اشتغال ملی، سهم متناسب در تولید ناخالص داخلی داشته باشد.

- سهم ارزش افزوده صنایع متوسط در ارزش افزوده حدود ۵٪ می باشد ولی در کشورهایی مانند ژاپن ۴۳٪، کره جنوبی ۲۰٪ و در مالزی ۲۱٪ می باشد.

- متوسط سهم ۴ گروه صنایع مواد غذایی، نساجی، چوب و کاغذ و مقوا در کل ارزش افزوده صنعتی طی یک روند طولانی مدت حدود ۲۰٪ و سهم ۴ گروه صنایع شیمیایی، غیر فلزی، فلزات اساسی و ماشین آلات حدود ۸۰٪ می باشد.

- ساختار عمده بخش صنعت کشور مبتنی بر مواد می باشد.

- متوسط سهم ارزش افزوده صنعت به تولید ناخالص حدود ۱۵ درصد می باشد، در حالی که در کشورهایی مانند کشورهای صنعتی ۲۱٪، در کشورهای شرق آسیا ۲۷٪، در کره جنوبی حدود ۳۰٪، در سنگاپور حدود ۳۵٪ و در ژاپن حدود ۲۶٪ می باشد.

- متوسط ارزش افزوده سرانه هر کارکن در کارگاه های کوچک و متوسط حدود ۱۶ میلیون تومان به قیمت جاری و حدود ۸/۵ میلیون تومان به قیمت ثابت می باشد. و این در حالی است که متوسط حقوق و دستمزد سالیانه یک کارکن به طور متوسط ۱۰ الی ۱۲ میلیون تومان می باشد و به قیمت جاری. یعنی اگر حقوق و دستمزد، اجاره، بیمه کارخانه، استهلاک و سود را در محاسبه ارزش افزوده در نظر بگیریم، سهم سود در ارزش

افزوده بسیار ناچیز می باشد یعنی مهم ترین منبع وجوه نقد و ابزار مالی بنگاه ها بسیار ضعیف می باشد و از این رو یکی از دلایل کمبود نقدینگی بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط سودآوری پائین می باشد. و این در حالی است که ارزش افزوده سرانه هر کارکن در کارگاه های بزرگ صنعتی حدود ۴۷ میلیون تومان به قیمت های جاری بطور متوسط در سال های ۸۵-۹۰ می باشد .

با توجه به موارد فوق می توان گفت، اولاً رابطه زنجیره ای پویا و پیوسته و تحول آمیز در ساختار ضعیف بوجود نیامده است. ثانیاً عملکردهای پائین صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ گویای عدم تحولات لازم به ویژه در عرصه تکنولوژی و روزآمدی آن در صنایع کوچک و متوسط می باشد و در ضمن تعداد بالای آن ها اما با عملکردهای پائین می تواند نشان از زاید بودن بخشی از صنایع کوچک و متوسط در زنجیره سرمایه گذاری صنعتی باشد.

عارضه ششم: فقدان شکل گیری تفکر رقابتی مبتنی بر مدیریت بهره وری

- عدم تغییر و تحولات متناسب همه جانبه در عرصه های مدیریتی، تکنولوژی، نهادی، زیربنایی و فرهنگی و اجتماعی و آموزشی در طی زمان بر اساس نیازهای تاریخی
- وابسته شدن اقتصاد کلان و بودجه دولت ها به درآمدهای نفت و گاز و رشد بی رویه دولت و بخش عمومی و انحصاری شدن اقتصاد
- عدم تحقق اهداف رشد اقتصادی مبتنی بر رشد بهره وری در برنامه های پنج ساله
- تداوم طولانی مدت استراتژی جایگزینی واردات و مهیا نشدن زمینه ها برای استراتژی توسعه صادرات
- رایج شدن تفکر رقابتی در سطح ملی با درک نادرست از واژه رقابت و در نتیجه تعداد زیاد کارخانجات در زمینه های مشخص فعالیت ولی اکثراً ناکارآمد مانند کارخانجات متعدد سنگبری، ماکارونی سازی، فرش ماشینی و غیره و کوچک ماندن ظرفیت های تولیدی و عدم صرفه جویی های ناشی از مقیاس تولید.
- رانت جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه سرمایه گذاری صنعتی و تولیدی
- فقدان تحولات لازم در نهادهای پولی، مالی، گمرک، بازرگانی، صادرات، واردات، کار و تامین اجتماعی در راستای اقتصاد و رقابتی
- فقدان جایگاه شایسته آموزش و تحقیق و توسعه و مشاوره و بازاریابی در اکثر واحدهای تولیدی کوچک و متوسط

- ورود برخی از سرمایه گذاران به بخش تولید و صنعت که اصلا روحیات صنعتی و تولیدی نداشته اند، صرفاً جهت گرفتن امکانات و نام کارخانه داری به یدک کشیدن.

- تفوق تفکر پولداری و ثروت اندوزی غیر مولد بر تفکر مدیریت مولد سرمایه و تفکر تولیدی و صنعتی

راه کارها و پیشنهادات و توصیه های سیاستی کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت :

الف) راه کارها و پیشنهادات پیرامون عوامل بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط

۱_ راه کارهای کوتاه مدت (۲ الی ۳ سال آینده):

در شرایط فعلی اقتصاد و حوزه صنعت و تولید کشور، نقش و وظایف مهم دولت و نهادهای ذیربط حوزه صنعت و تولید بایستی راهبردی اورژانسی و به گونه ای دفاعی داشته باشند، تا وضعیت فضای کسب و کار در شرایط بدتری قرار نگیرد و مسئله اشتغال به ویژه اشتغال صنعتی بنگاه های کوچک و بزرگ منفعلانه نگردد. لذا اکثر بنگاه های کوچک و متوسط نیازمند سیاست های کوتاه مدت موثر با درجه حمایت بالایی می باشند، به برخی از آنها اشاره می شود:

- پرداخت یارانه بهره برای تامین مالی به ویژه تامین مالی سرمایه در گردش موردنیاز بنگاه ها

- افزایش سقف تسهیلات دارای ضمانت از سوی دولت برای بنگاه های کوچک و متوسط و سهولت در مکانیزم پرداخت آن

- کاهش مالیات ها و معافیت جریمه های مالیاتی بنگاه های کوچک و متوسط

- کاهش و یا حذف جریمه های بدهی های معوقه بنگاه های کوچک و متوسط به سیستم پولی و بانکی کشور

- کاهش و یا حذف جریمه های بدهی های معوقه بیمه تامین اجتماعی از سوی بنگاه های موردنظر

- تخصیص سهمیه ارزی از محل صندوق توسعه ملی جهت سرمایه گذاری صنایع کوچک و متوسط با بهره پائین ۱۰٪ یا کمتر

- خرید ارز از صادرکنندگان صنایع با نرخ بالاتر از نرخ ارز رایج توسط بانک مرکزی جهت تشویق صادرات صنعتی

- تخصیص ارز ارزان تر از نرخ ارز رایج به واردکنندگان حوزه صنعت و تولید برای ماشین آلات و مواد اولیه

- ایجاد محدودیت جهت ورود کالاهای مشابه خارجی برای تولیدات داخلی عرصه صنعت کشور به جز کالاهای مصرفی بسیار ضروری مانند دارو و همچنین مواد اولیه و مصارف واسطه ای و کالاهای سرمایه ای
- برقراری معافیت های گمرکی و وضع موانع گمرکی برای صادرکنندگان فراورده های صنعتی
- برقراری بن کالای خرید ماهیانه محصولات صنعتی داخلی بجای پرداخت یارانه مستقیم برای خانوارها
- عدم تداوم کاهش نرخ تورم و نگه داری آن بین ۱۰ تا ۱۲٪ طی سه سال آینده به جز مصارف واسطه ای و سرمایه ای صنایع که تلاش شود نرخ تورم به زیر ۱۰٪ کاهش یابد.
- عدم صدور موافقت اصولی جدید برای صنایع و فعالیت هایی که در حال حاضر تعداد آن ها زیاد می باشد. (صنایع کانی غیر فلزی، غذایی)
- معافیت های تعرفه ای برای واردات موردنیاز صنایع صادراتی
- گسترش خدمات بیمه ای و اعتبارات برای بازاریابی و تحقیق و توسعه و صدور موافقت اصولی برای واحدهای کوچک و متوسط که در شرایط رکودی و با ۵۰٪ ظرفیت تولیدی، نرخ برگشت سرمایه و نرخ بازده داخلی شان کمتر از ۲۰٪ نباشد.
- برگزاری دوره های آموزشی کوتاه مدت قبل از اخذ موافقت اصولی و جواز تاسیس توسط متولیان ذیربط برای متقاضیان سرمایه گذاری با شخصیت حقیقی یا حقوقی که درک عمیقی از صنعت، تولید، مخاطرات، قوانین و مقررات، کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی و شیوه های مدیریت راهبردی و رقابتی را برایشان به همراه داشته باشد. مانند دوره های کارآفرینی، مدیریت راهبردی، ارزیابی اقتصادی و مالی، طرح های تولیدی و صنعتی، رفتار سازمانی، مدیریت ریسک و یا صدور پروانه بهره برداری منوط به گذراندن دوره های فوق باشد. (البته به صورت مختصر، مفید و ارزان)
- فرهنگ سازی از طریق رسانه ملی و مطبوعات و نشریات و سمینارها، مبتنی بر اینکه کار تولیدی و صنعتی و مولد یک ارزش ملی و سرنوشت ساز به حساب می آید.
- برگزاری جلسات مشترک صنعت گران و مسئولین پولی، بانکی، مالیاتی، بیمه و گمرک و سایر نهادهای ذیربط بخش صنعت و تولید جهت تعامل و درک فهم مشترک از توسعه و باورهای آن در انجمن های صنفی، کمیسیون ها و کمیته های اتاق بازرگانی، و به منظور اعتمادسازی بیشتر بین بخش خصوصی و دولت
- فرهنگ سازی برای صنعتگران کنونی و صنعتگران جدیدی که به عرصه تولید قدم می گذارند، مبنی بر این که رقابت در دنیای صنعتی گران و پیچیده و رقابتی و پر از تغییر و تحولات مداوم بدون درک درست و تجزیه

و تحلیل جامع آن امکان پذیر نمی باشد. بنابراین لازم است برای شناخت عمیق رقابت جهانی، رویکردی مشارکتی با سرمایه انسانی خود، متخصصین دانشگاهی و کانون های آموزشی و مشاوره ای ذیربط داشته باشند. زیرا تصمیمات درست تر و اثربخش تر در سایه شناخت جامع تر میسر می گردد.

۲_ راه کارهای میان مدت(۵ سال آینده) :

- ایجاد تحول در نظام مالیاتی، نظام پولی و ارزی، نظام گمرکی، نظام تامین اجتماعی و قوانین و مقررات ذیربط در حوزه صنعت و تولید به گونه ای که اولاً نگرش سیستمی بین صنایع و نهادهای ذیربط ایجاد شود، ثانیاً با کم ترین زمان و بالاترین سطح اثربخشی فرایندهای ارائه خدمات به حوزه صنعت و تولید انجام شود و موجبات بهبود شاخص اختلال دولت و کاهش آن شود و فضای کسب و کار بهبود یابد به گونه ای که رتبه ایران حداقل ۵۰٪ ارتقاء یابد(مثلاً از ۱۳۰ به ۶۰ الی ۷۰ برسد).

- نرخ بهره تسهیلات برای حوزه صنعت و تولید به ویژه برای بنگاه های کوچک و متوسط طی ۵ سال آینده به زیر ۱۰٪ کاهش یابد. تا رابطه ای منطقی و ریاضی گونه بین نرخ بهره و بازده سرمایه گذاری بوجود آید و شرایط رقابتی برابرتر در سطح جهانی برای سرمایه گذران این حوزه فراهم گردد.

- بسترسازی تحول بنیادی در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی و آموزش های فنی و حرفه ای مبنی بر آن که دوران رشد و توسعه در سایه تورم و بورس بازی و دلالت گری و زود ثروتمند شدن به پایان رسیده است و بایستی سرمایه انسانی و اجتماعی و تفکر مولد محور توسعه به ویژه توسعه صنعتی کشور قرار گیرد و ارتباط صنایع و بنگاه های تولیدی با نظام آموزشی کشور در این راستا هم جهت شود.

- ایجاد بانکداری تخصصی ویژه بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط با نگاه و مدیریت علمی و از دریچه رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط و با ویژگی های رقابتی جهانی

- توسعه شبکه های پیمان کاری های فرعی به عنوان رابط بنگاه های کوچک و متوسط با بنگاه های بزرگ صنعتی و به منظور تقویت زنجیره ارزش در ساختار صنعت کشور

- تعریف مجدد از صنایع کوچک و متوسط که در آن چگونگی تحول تکنولوژیکی و سطح تولید و فروش و ارزش افزوده سرانه کارکنان گنجانده شود. به عبارتی پایه گذاری صنایع کوچک و متوسط در سطح رقابت جهانی مورد تعریف و مورد توافق کلیه نهادهای ذیربط قرار گیرد. و صرفاً تعداد اشتغال مستقیم مبنای تعریف آنها نباشد.

- نهاد مالیاتی طی پنج سال آینده به گونه ای تحول یابد که بر اساس سهم بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی کشور، مالیات ها را وصول کند. تا عدالت مالیاتی برقرار شود و اعتمادسازی مالیاتی برای مودیان مالیاتی افزایش یابد.

- بسترسازی سیاسی و اقتصادی و زیربنایی، امنیتی و حقوقی برای گسترش تجارت خارجی و جذب سرمایه های خارجی و گسترش صنعت توریست و جذب توریست طی سال های آینده به ویژه با اولویت روابط با کشورهای عضو اکو (ایران، ترکیه، پاکستان، آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان) و کشورهای حاشیه خلیج فارس و سوریه و عراق و به منظور زمینه سازی توسعه صادرات صنعتی کشور به این گونه کشورها. لازم به ذکر است که حل شدن بهتر در فرایند جهانی شدن اقتصاد نیازمند تقویت اقتصادی منطقه ای می باشد. به مانند بازار مشترک اروپا، اتحادیه واحد اروپا، حوزه آ، سه، آن، و امثال آن. هر چقدر روابط اقتصادی منطقه ای تقویت شود، ثبات سیاسی و اقتصادی بیشتر می شود و تحریم های بین المللی در موضع ضعف قرار می گیرند. و بایستی دانست که حوزه اکو و خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس سرنوشت ساز اقتصاد بین الملل خواهد شد.

- تلاش دولت در به سرانجام رساندن کامل برجام و رفع کلیه تحریم ها اجتناب ناپذیر می باشد و تشدید دیپلماسی با کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا و زمینه سازی برای ورود گردشگر و سرمایه اروپایی به کشور - نهادینه شدن تفکر مدیریت بهره وری در به کارگیری سرمایه های انسانی، فیزیکی، مالی و طبیعی به ویژه برای حوزه صنعت و بنگاه های کوچک و متوسط اصلی بایسته و شایسته و اجتناب ناپذیر می باشد. تاسیس نهادی به منظور تربیت مروجین بهره وری صنایع با همیاری خانه صنعت و معدن، سازمان صنعت، معدن و تجارت، اتاق بازرگانی و شرکت های صنعتی مناسب و ضروری می باشد. (کارآموزان می توانند از فارغ التحصیلان دانشگاهی و از کارکنان صنایع باشند.)

- تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور به صورت تلفیقی از راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات به گونه ای که سیاست های حمایتی موثر و اثربخش پولی، مالی، ارزی، گمرکی و مالیاتی به گونه ای تعریف شوند که در بلندمدت، اقتصاد کشور و زیرمجموعه آن یعنی بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات بتوانند در شرایط رقابتی اقتصاد بازار قرار گیرند. در این زمینه صناعی که به نوعی دارای مزیت های نسبی رقابتی جهانی می باشند مانند صنایع کانی غیر فلزی (کاشی، سیمان، سنگ و آجر و...) و صنایع شیمیایی کلا با رویکرد توسعه صادرات فرآورده های ساخته شده و رویکرد جایگزینی واردات برای کالاهای سرمایه ای مورد نیاز مورد تعریف قرار گیرند. هم چنین در راهبرد توسعه صنعتی و توسعه اقتصادی کشور جایگاه ویژه ای برای صادرات خدمات فنی و مهندسی و اقتصاد دانش بنیان در نظر گرفته شود.

- گسترش خوشه های صنعتی تخصصی با تمرکز افقی و عمودی به گونه ای که زنجیره ای از بنگاه های کوچک و متوسط و بزرگ را شامل شود و هم چنین کانون های مشاوره و آموزشی نیز در جوار آنها به صورت تخصصی مورد نیاز خوشه ها استقرار یابند.

- افزایش سهم تسهیلات پولی و بانکی و ارزی برای بنگاه های کوچک و متوسط . (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲) در مطالعات خود نشان داده اند که بنگاه های بزرگ با سهم بالای ۷۰٪ از دارایی پذیرفته شده در بورس، حدود ۷۳٪ تسهیلات بانکی را طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۲ به خود اختصاص داده اند و سهم بنگاه های کوچک و متوسط ۲۳٪ می باشد. و این در حالی است که سهم تسهیلات برای بنگاه های کوچک و متوسط برای کشورهایی مانند پرتغال، کره جنوبی و سوئیس بیش از ۷۰٪، ترکیه ۳۷/۵٪ و سوئد حدود ۹۰٪ می باشد.

- ایجاد پایگاه آمار و اطلاعات آماری در سیستم بانکی برای رصد وضعیت تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط. بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شاخص هایی را به شرح موارد زیر در این زمینه ارائه کرده اند (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۴) :

۱_ نسبت وام های اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط به کل وام های پرداخت شده

۲_ نسبت وام های کوتاه مدت اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط به کل وام های پرداخت شده

۳_ میزان ضمانت تسهیلات به بنگاه های کوچک و متوسط

۴_ حجم تسهیلات ضمانت شده به بنگاه های کوچک و متوسط

۵_ حجم وام های مستقیم دولت به بنگاه های کوچک و متوسط

۶_ نسبت وام های مصوب به وام های درخواستی از طرف بنگاه های کوچک و متوسط

۷_ نسبت وام های نکول شده بنگاه های کوچک و متوسط به کل وام های اعطایی

۸_ نرخ بهره وام های اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط

۹_ اختلاف نرخ بهره وام های اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط با وام های اعطایی به بنگاه های بزرگ

۱۰_ ارزش وثیقه دریافتی نسبت به وام اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط

۱۱_ میزان سرمایه اولیه و سرمایه در حال رشد بنگاه های کوچک و متوسط

۱۲_ میزان ورشکستگی بنگاه های کوچک و متوسط

۱۳ _ بدیهی است که در طی زمان ممکن است برخی از واحدهای تولیدی و صنعتی علیرغم تلاش زیاد خود و یا تجربیات غنی و انباشته شده در عرصه صنعت بنابر دلایلی به مرز ورشکستگی برسند. لازم است موارد مربوطه به ورشکستگی در قانون تجارت برای حفظ و صیانت اعتبار اینگونه صنعتگران، حمایت های لازم از آنها صورت گیرد. و از سرمایه های انسانی و ملی به طور شایسته در شروعی دیگر و فعالیتی دیگر استفاده بهینه به عمل آید. از این رو قانون ورشکستگی بایستی به گونه ای بین صنعتگران و مدیریت ریسک اطمینان بوجود آورد، که صنعتگران با پذیرش ریسک در شرایط به ویژه پر مخاطره و نااطمینانی و بی ثباتی وارد عرصه تولید و صنعت می شوند و یک پشتوانه قانونی و حمایتی دارند. علاوه بر اینکه در تفکر صنعتی و مدیریت صنعتی کشور این باور که اگر سالیانه مثلا ۴ الی ۵ درصد واحدهای صنعتی ورشکست شوند، باوری بدیهی و طبیعی به حساب آید.

۳_ راه کارهای بلند مدت (۱۰ سال آینده):

- رهایی کل بودجه دولت از درآمدهای نفت و گاز، واریز کلیه وجوه درآمدهای نفت و گاز به صندوق توسعه ملی و استفاده از منابع ارزی آن توسط بخش دولتی، عمومی و خصوصی با بازگشت ۱۰٪ سودآوری به صندوق.
- بهینه شدن اندازه دولت و بخش عمومی و بخش خصوصی در اقتصاد با تفکر نظام اقتصادی قدرت همسنگ و با رویکرد رقابتی
- بسترسازی اجرایی شدن راهبرد توسعه صنعتی بلند مدت کشور به صورت تلفیقی از راهبرد جایگزینی واردات و راهبرد توسعه صادرات و در راستای مزیت های نسبی و مطلق منطقه ای و با جایگاه مناسب سرمایه های داخلی و خارجی
- تلاش جهت ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی بلند مدت جهت شکل گیری مسیر سرمایه گذاری مولد داخلی و خارجی
- نهادینه شدن تفکر مدیریت بهره وری در به کارگیری منابع محدود انسانی، فیزیکی، مالی و طبیعی در بخش های اقتصادی، کشاورزی، صنعت و خدمات و برنامه های توسعه پنج ساله
- شکل گیری رابطه پویا، پیوسته و عملیاتی بین نظام آموزشی و نظام صنعتی کشور
- بسترسازی برای جاده سرمایه گذاری توسعه صنعتی با توجه به رابطه تئوریک منطقی بین نرخ بازده سرمایه گذاری، نرخ تورم و نرخ بهره با توجیه مناسب اقتصادی و مالی (نرخ تورم ۴ الی ۵ و نرخ بهره ۳ الی ۴ درصد)

- پذیرش این تفکر که بخش ساختمان و مسکن یک حوزه سرمایه گذاری سودآور نیست، بلکه این بخش پاسخ گوی نیاز مصرفی جامعه می باشد و صنایع در ارتباط با این بخش بایستی رویکرد مبتنی بر توسعه صادرات را داشته باشند.

- پذیرش این تفکر که در تخصیص منابع در ایجاد و توسعه صنایع از نظر کارایی تعداد زیاد واحدهای تولیدی مشابه (رشد کمی صنایع) لزوماً به منزله عملکرد خوب نهادها مانند وزارت صنایع، شرکت شهرک های صنعتی و غیره نیست، بلکه چگونگی اثربخشی رقابتی، کیفیت، سطح تولیدات یا صرفه جویی های مقیاس، روابط پویای پیشین و پسین در زنجیره صنعتی و ساختار صنعت کشور مهم تر می باشد. به عنوان مثال به جای داشتن حدود ۱۵۰۰ واحد سنگبری در اصفهان اما اکثراً ناکارآمد آیا بهتر نیست فقط ۲۰۰ واحد تولیدی روزآمد یا ظرفیت های بالای رقابتی با تکنولوژی مدرن، با مدیریت های علمی، با منابع انسانی با بهره وری بالا، با بازار صادراتی بالایی داشته باشیم؟ آیا بهتر نیست با تعداد کم تر واحدهای تولیدی اما با ظرفیت های بالاتر تولید با بهای تمام شده پائین تر و با کیفیت بالاتر ایجاد کنیم؟

- درخت توسعه اقتصادی و صنعتی از سه جزء وابسته به هم تشکیل می شود. عوامل فرهنگی و اجتماعی ریشه های آن، عوامل سیاسی و قانونی و تکنولوژیکی ساقه های آن و عوامل اقتصادی برگ و میوه های آن هستند. بنابراین می توان گفت توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و قانونی و تکنولوژیکی و توسعه فرهنگی و اجتماعی بایستی در هر زمان به صورت متناسب، هماهنگ و متجانس رشد کنند، تا بتوان نظام اقتصادی مقاوم، پایدار، بالنده در جهان را در اقتصاد جهانی بوجود آورد و نظام صنعتی به عنوان زیر مجموعه ای از کل نظام اقتصادی را به صورت پویا و توسعه یافته شاهد باشیم. به عبارتی دیگر بپذیریم که توسعه اقتصادی عبارت است از ، نظام اقتصادی مناسب به علاوه نظام سیاسی مناسب به علاوه نظام فرهنگی و اجتماعی مناسب. در این راستا نقش دولت و بخش عمومی عمدتاً بسترسازی و نظارت در شکل دادن عوامل سیاسی، قانونی، فرهنگی و تکنولوژیکی و زیربنایی است. و نقش بخش خصوصی ، سرمایه گذاری، رقابت، ایجاد اشتغال، توسعه صادرات، ارزآوری ، تحقق اهداف و اثربخشی می باشد.

- ایجاد بستر های لازم جهت حضور مدیران و کارفرمایان در نمایشگاه های داخلی و بین المللی وبازدید از کارخانجات مشابه خارجی وبه منظور الگوبرداری توأم با خلاقیت و نوآوری

ب) راه کارهای بهبود عوامل داخلی تاثیرگذار بر فعالیت بنگاه ها :

۱) حوزه مدیریت:

- تقویت دیدگاه راهبردی و آینده نگری با توجه به شناخت و ارزیابی و کنترل انواع ریسک در کارفرمایان از طریق دوره های آموزشی کاربردی و ارائه مشاوره به تدوین برنامه ریزی استراتژیک.
- آموزش و استقرار نظام پیشنهادات بهبود و انواع دیگر نظام های مشارکتی
- تقویت نگرش سیستمی در بدنه بنگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط از طریق آموزش و سمینار

۲) حوزه بازرگانی :

- آموزش انواع راهبرد های بازاریابی به ویژه برای شرایط بحران و رکود
- آموزش از طریق برگزاری دوره های کوتاه مدت روانشناسی تبلیغات
- اعطای کمک های یارانه ای جهت حضور فعال بنگاه های کوچک و متوسط در نمایشگاه ها به ویژه نمایشگاه های دائمی
- تشکیل کانون مشاورین بازاریابی جهت ارائه خدمات به بنگاه های کوچک و متوسط با هزینه های پائین و با ملاحظه حمایتی

۳) حوزه مالی:

- پرداخت تسهیلات با نرخ های بهره پائین برای تامین نقدینگی و سرمایه در گردش
- تخفیف و یا حذف جریمه های مالی بنگاه ها
- آموزش و تربیت مروج بهره وری برای بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط جهت استقرار مدیریت بهره وری

۴) حوزه تکنولوژی اطلاعات:

- استقرار و آموزش دوره کاربردی کارت امتیاز متوازن جامع با رویکرد بهبود بهره وری و کیفیت و طراحی فرمت ها و جداول داده های آماری موردنیاز با توجه به اهداف مشخص شده در حوزه های مختلف سازمان
- کمک های مشاوره ای و حمایتی جهت استقرار سیستم اطلاعات مدیریت از نظر ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری

۵) حوزه تولید:

- تشکیل بانک اطلاعات تامین کنندگان مواد اولیه و قطعات یدکی داخلی و ایجاد زمینه های ارتباط و تعامل آنها با تولیدکنندگان
- کمک های یارانه ای و حمایتی جهت تغییر و تحولات و به روزرسانی تکنولوژی ها و خطوط تولید نوین
- تشکیل کمیته بهبود فرایندها با نگاه حمایتی و کمک به بنگاه های کوچک و متوسط جهت به روزرسانی فرایندهای تولیدی و سایر فرایندها در حوزه های مرتبط با حوزه تولید

۶) حوزه تحقیق و توسعه:

- تشکیل کانون مسئولین تحقیق و توسعه جهت تعامل و همکاری بین بنگاهی در این زمینه
- شکل گیری هسته های تحقیق و توسعه در دانشگاه ها و ارتباط عملیاتی آن با بنگاه های کوچک و متوسط
- جهت گیری بخشی از فعالیت های شرکت های دانش بنیان با رویکرد ارائه خدمات موردنیاز به بنگاه ها در حوزه تحقیق و توسعه
- ارائه تسهیلات یارانه ای جهت تجهیز امکانات موردنیاز تحقیق و توسعه بنگاه ها
- تقویت نگرش سیستمی حوزه تحقیق و توسعه با سایر حوزه های سازمان به ویژه حوزه طراحی، حوزه مالی و حوزه تولید

۷) حوزه منابع انسانی:

- نهادینه کردن فلسفه آموزش برای تمامی دوران فعالیت به عنوان جریانی مستمر برای بنگاه های کوچک و متوسط
- حمایت یارانه ای جهت اجرای دوره های آموزشی موردنیاز بنگاه ها
- نهادینه کردن مدیریت تغییر و تحول با رویکرد مشارکت کلیه کارکنان
- طراحی پرسشنامه اندازه گیری و تجزیه و تحلیل مولفه های بلوغ سازمانی کارکنان ویژه بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط و به صورت دوره ای به کار گرفته شود و پس از تعیین نقاط قوت و ضعف بلوغ سازمانی (میزان تغییر و تحول پذیری، مسئولیت پذیری و تعلق سازمانی)، و در چارچوب یافته های آن برنامه های بهبود تدوین و به اجرا درآید.

در پایان ، محقق اعتقاد راسخ دارد که کشور هایی هم چون ایران فرصت های زیادی برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و صنعتی دارند و می توانند نرخ های رشد بالا و حتی دو رقمی را تجربه نمایند ، در حالی که کشور های صنعتی پیشرفته تقریبا به بالاترین سطح منحنی رشد خود رسیده اند و در دهه های آینده چنان چه وارد دوران رونق شوند ، نرخ های رشد بالا را شاهد نخواهند بود . به شرطی که در باورهای ملی و در سطح خرد و کلان ، قانونمندی های توسعه اجتماعی و اقتصادی در نگرشی سیستمی و علمی نهادینه گردد.

به امید ایرانی آباد و سرافراز